

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

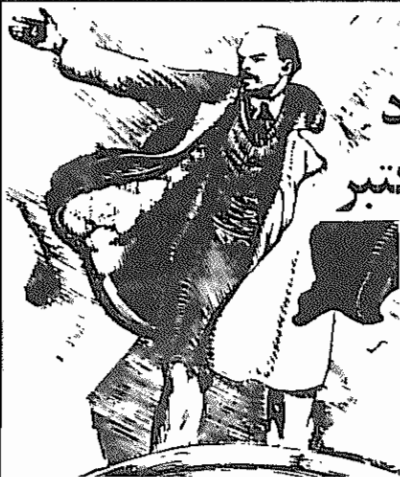
بیکار

۲۹

دوشنبه ۲۱ آبانماه ۱۳۵۸ بهاء : ۲۰ ریال

بیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

- "ولایت فقیه" گشادترین کلاهی که بسر مردم ایران می رود! (۵) در صفحه ۱۲
 - نگاهی بر مواد قانون اساسی (۵) در صفحه ۷
 - اخباری از جنبش دانش آموزی در صفحه ۱۷
 - مصاحبه بایک صیاد مبارز در صفحه ۸
- بندر انزلی -



گرامی باد شصت و دومین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر

۷ نوامبر (۵۸/۸/۱۶) مصادف بود با شصت و دومین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر انقلابی که حقانیت تاریخی پرولتاریا را در بدست گرفتن سرنوشت خویش و تمامی زحمت-کنان به ثبوت رسانده و فعل نویسی از مبارزه پرولتاریای جهانی را بر علیه بورژوازی گشوده است. بقیه در صفحه ۲

بیانیه سازمان درباره تغییر و تحولات اخیر:

مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران

● تردیدی نیست که شاه خائن را باید بازگرداند و حکم اعدام او را در دادگاه خلق صدها بار صادر نمود و اجرا کرد. اما این فقط جزئی ناچیز از خواسته های ضدا امپریالیستی توده های مردم است.

● کمونیستها باید با شرکت فعال در مبارزات ضدا امپریالیستی توده ها که هم اکنون در کوجه ها و خیابانها جاری است و هر روز اوج بیشتری میگیرد و با بردن شعارهای واقعی ضدا امپریالیستی بمیان آنان، نشان دهند که پیگیرترین نیروی ضدا امپریالیستی هستند.

در صفحه ۲

مدنی کیست؟

چرا او را کاندید ریاست جمهوری کرده اند؟

مدنی: هر کس که زیرسند خود مختاری را امضاء کند، به مردم ایران خیانت کرده است.

در صفحه ۵

جنبش کارگری

- اعتصاب در کارخانه ارج
- مبارزه پیروزمند کارگران بیکار قزوین
- مبارزات کارگران پیمانی صنعت نفت
- گزارشی از مبارزات کارگران کشت و صنعت مغان
- اعتصاب کارگران پیمانی آبادان -

در صفحه ۲۵

اخباری از: کردستان قهرمان

در صفحه ۱۸

شیوه برخورد پرولتری یا

خرده بورژوازی؟

-۲-

چریکهای فدایی خلق
و احزاب بورژوازیتظا هر ناپایداری ایدئولوژیک
خرده بورژوازی

در صفحه ۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بیانیه سازمان درباره تغییر و تحولات اخیر:

مرگ بر امپریالیسم آمریکا
دشمن اصلی خلقهای ایران

امواج توفنده، مبارزات ضد امپریالیستی توده‌های تحت ستم، سفیدترک - خورده، سیستم حاکم را به لرزه درآورده است.

از هرسو صدای "مرگ بر امپریالیسم آمریکا" به گوش میرسد. پناه دادن شاه جنایتکار توسط دولت امپریالیستی آمریکا، بیش از پیش خشم انقلابی و غلبان یافته، توده‌ها را دامن زده است و آنها یکصد استرداد، محاکمه و اعدام این مزدور آمریکائی را به مناسبت به بخش کوچکی از خواسته‌های بحق و انقلابی خود خواستارند.

آنها برآستی کینه، طبقاتی عمیق خویش را نسبت به امپریالیسم آمریکا و مزدورانش که طی سالها حاکمیت ضد خلقی سرمایه‌داری وابسته، توده‌ها را بشدید - ترین وجهی غارت و سرکوب می‌کردند، در فریادهای خود زنده می‌سازند.

آنها بدرستی دریافته‌اند که هدف اصلی انقلاب که در جریان قیام بوسیله، خیانتکاران و سازش طلبان به انحراف کشته شده شد، همچنان امپریالیسم آمریکا و سیستم عمیقاً وابسته، سرمایه‌داری ایران است. این موج توفنده، جنبش توده‌ای هم‌اکنون لرزه براندام امپریالیسم آمریکا انداخته و بیش از پیش او را در محاق بحران سیاسی فرو برده است اما شگفت آنکه می‌بینیم بخشی از هیئت حاکمه پس از زمینه چینی یک شهاجم گسترده برای بدست گرفتن قدرت و قربانی کردن بخش دیگری از هیئت حاکمه اکنون می‌کوشد تا در انطباق با شرایط جدید و دست زدن به برخی حرکات ضد آمریکائی و بیش از آن با هیا هو و جاج و جنجال بسیار خویشان را پیشرو این مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ای که تا کنون در برابر آن ایستاده بود، جلوه دهد.

چگونه است که کسانی چون بهشتی که تا دیروز به همراه لیبرالهای چون بازرگان، خاٹانه برای به سازش کشاندن انقلاب به پای میز مذاکره با ژنرال هوپزیر جلاذ می‌رفتند، اکنون "ضد امپریالیست" شده‌اند.

چگونه است، خمینی که تا دیروز پشتیبان سرخست دولت بازرگان بوده و فرمان لشکرکشی ضد انقلابی ارتش دست پرورده، آمریکا را به کردستان صادر نمود، اکنون دولت بازرگان را به جرم مذاکره با برژینسکی با این مغز متفکر توطئه‌های امپریالیسم آمریکا - مورد لعن و نفرین قرار می‌دهد، چگونه است "شورای انقلاب" که تا دیروز تمام سیاست‌های دولت را تصویب می‌نمود و تمام اقدامات ضد انقلابی کوچک و بزرگ او را در جهت باسازی سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و تاملین مجدد سلطه، آمریکا و سرکوبی خلقها مورد تأیید قرار می‌داد اکنون چهره، "ضد امپریالیستی" و "فداسازشکاری" به خود گرفته است؟ و دست به برخی اقدامات "ضد آمریکائی" می‌زند.

واقعیت چیست؟ حرکات و سیاست‌های جدید جناح انحمارطلب و قشوری هیئت حاکمه را که می‌کوشد تمام قدرت حاکم را از آن خود نماید، چگونه می‌توان تحلیل کرد؟

کلید اصلی درک حرکات، سیاست‌ها و تحولات جدیدی که در صحنه سیاسی ایران رخ داده است را باید در موقعیت جنبش توده‌ای، بحران اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جامعه و موقعیت رژیم حاکم جستجو نمود.

بدون چنین درکی، نمی‌توان این حرکات و سیاست‌ها و تحولات را مورد ارزیابی قرار داد.

★ ★ ★

قیام شکوهمند بهمن ماه با عظیم ضد امپریالیستی مبارزات خلق ما را به روشنی آشکار نمود. پیام عمیقاً انقلابی این قیام عبارت بود از: نابودی کامل سلطه، امپریالیسم در ایران، نابودی تمام سیستم سرمایه‌داری وابسته و نهادهای وارگانهای وابسته به آن و ایجاد یک سیستم مردمی و خلقی که پاسگوی بقیه در صحنه، بعد

بقیه از صفحه ۱ گرامی باد ...

از آن زمان تا کنون هر چند که امپریالیسم جهانی و تمامی نوکران آن و تمامی مرتجعین از جمله در ایران تلاش کرده‌اند این انقلاب را تخطئه کنند، اما هر زمان که عظمت انقلاب سوسیالیستی و برابری آن در محور نظام استثمار در پیش چشمشان نمایان شده است، بر خود لرزیده‌اند.

از آن زمان تا کنون هر چند که اپورتونیست‌ها و روبریونیست‌ها و بلاخره سوسیال امپریالیست‌ها، که به لباس مارکسیسم - لنینیسم در آمده‌اند، تمامی تلاش خود را برای تکی ساختن دستاوردهای انقلاب سوسیالیستی پرولتاریای روس از مضمون واقعی خویش بکار برده‌اند، اما نتوانسته‌اند حتی ذره‌ای از عظمت این انقلاب و حقانیت تاریخی آن کم کنند.

ما سالگرد این انقلاب کبیر را به تمامی زحمتکشان ایران بخصوص کارگران تبریک می‌گوئیم و بهمین مناسبت ترجمه مقاله‌ای از لنین را در بررسی انقلاب سوسیالیستی اکتبر، به پیشگاه زحمتکشان تقدیم می‌داریم:

چهارمین جشن
سالگرد انقلاب اکتبر

(مقاله‌ای از لنین)

چهارمین سالگرد ۲۵ اکتبر (۷ نوامبر) فرا می‌رسد.

هر قدر بیشتر که آن روز بزرگ از ما فاصله می‌گیرد، بهمان نسبت ما آشکارا اهمیت انقلاب پرولتاری را در روسیه مشاهده می‌کنیم و بهمان نسبت در باره تجربه عملی کارمان به توان یک‌کل عمیق‌تر می‌اندیشیم.

بطور خیلی خلاصه، و البته در طرحی بسیار ناقص و اجمالی، این اهمیت و تجربه می‌تواند به قرار ذیل جمع‌بندی شود.

هدف بلاواسطه و فوری انقلاب در روسیه انقلاب بورژوا - دمکراتیک بود، یعنی نابودی بقایای قرون وسطایی و روبودن کامل آنها، پاکسازی روسیه از این بربریت از این تنگ و برطرف کردن این مانع عظیم از تمامی فرهنگ و پیشرفت در کشور ما.

و ما می‌توانیم بطرز موجبی از انجام این پاکسازی که با اراده‌ای عظیم و سرعت، شجاعت و موفقیت فوق العاده زیادتر و از نقطه نظر تأثیر آن بر توده‌ها، بسیار وسیعتر و عمیقتر از انقلاب کبیر فرانسه در بیش از یکصد و بیست و پنج سال پیش بود، بخود ببالیم.

هم‌آنا ریشتم‌ها و هم دمکراتهای خرده - بورژوا (یعنی منشیکیها، و سوسیال رولو - سیونرها که المثنی‌های روسی نوع سوسیال انترناسیونال هستند) در باره رابطه بین انقلاب بورژوا - دمکراتیک و سوسیالیستی بقیه در صحنه، بعد

بقیه از صفحه قبل

(یعنی ، انقلاب پرولتری) مهملات بسیار باور نکردنی گفته و هنوز هم میگویند . این چهار سال آخر کاملاً ثابت کرد که تعبیر ما از مارکسیسم در باره این موضوع و ارزش یابی ما از تجربه انقلابهای پیشین صحیح بودند . ما انقلاب بورژوا - دمکراتیک را چنان انجام دادیم که قبلاً هیچکس چنین انجام نداده بود . ما که میدانیم انقلاب سوسیالیستی را دیوار چین از انقلاب بورژوا - دمکراتیک جدا نمی کند و نیز میدانیم که (در تحلسل نهائی) فقط مبارزه تعیین خواهد کرد که تا کجا پیش خواهیم رفت ، چقدر از این وظیفه سترگ و متعالی را به انجام خواهیم رساند و تا چه حد در تحکیم پرورزیهایمان موفق خواهیم شد ، در حال پیشروی آگاهانه ، استوار و بدون انحراف سوسیالیست سوسیالیستی هستیم . زمان نشان خواهد داد . اما از هم اکنون مشاهده می کنیم که کار عظیمی - عظیم بخاطر برانی فرسودگی و عقب ماندگی کشور - در جهت گذار سوسیالیستی جامعه انجام یافته است .

با اینهمه اجازه بدهید آنچه را که باید در باره محتوای بورژوا - دمکراتیک انقلابمان بگوئیم ، بیایان برسانیم . مارکسیستها باید مفهوم آن را درک کنند . اجازه بدهید برای توضیح چند مثال برجسته بزنیم .

محتوای بورژوا - دمکراتیک انقلاب جدیدی معنات که مناسبات اجتماعی (نظام ، نهادها) کشور از قرون وسطی ، سرواژ و فئودالیسم باکساری میشود .

مظاهر مهم ، آثار و بقایای سرواژ در روسیه تا ۱۹۱۷ کدام بودند؟ پادشاهی ، نظام امتیازات اجتماعی ، مالکیت ارضی و احارهداری زمین ، موقعیت زنان ، مذهب و ستم ملی . هر یک از این طویله های اوژیاس را در نظر بگیرید ، طویله هایی که اتفاقاً ، تا حدود زیادی از سوی تمامی دولتهای پیشرفته همینکه آنها انقلابهای بورژوا - دمکراتیک خود را در یکصد و بیست و پنج سال پیش ، دویت و پنجاه و انصدی سال پیش (۱۶۴۹ در انگلستان) به انجام رساندند ، تمیز شده رهائش ساختند ، هریک از این طویله های اوژیاس را در نظر بگیرید خواهید دید که ما این طویله ها را کاملاً تمیز کرده ایم . آنچه که ما در مدتی کمتر از ده هفت - از ۲۵ اکتبر (۷ نوامبر) تا ۵ ژانویه ۱۹۱۸ ، زمانی که مجلس موسسان محل شد ، از این لحاظ انجام دادیم هزار بار بیشتر از آن چیزی است که دمکراتهای بورژوا و لیبرالها (کادتها) و دمکراتهای حرده بورژوا (مشویکیها و سوسیال رولو - سیورها) در حلال هشت ماهی که در قدرت بودند ، انجام دادند .

این نارسیس ها و خرده ها ملت های بسزد و باوه سرا و لاف زن شمشیرهای چوبینشان را تاب دادند اما حتی پادشاهی را هم بقیه در صفحه بعد

بقیه از صفحه قبل بیانییه سازمان ...

خواستهای انقلابی توده ها باشد . خلق ما خواستار لغو و افشای تمامی قرار - دادهای اسارت آور امپریالیستی ، ادعای خسارت سالیان دراز جپا و لگسری و غارت و کشتار خلقهای ما از امپریالیسم آمریکا و بستن تمام جاسوسخانه ها و مراکز توطئه چینی امپریالیسم در ایران بود . کمونیست ها و نیروهای راستین انقلاب از همان آغاز بر خواسته های خلق پای میفشردند ، اما بورژوازی و همدستان انحصار طلب و دنیا لورو چه کردند؟ آنها اساساً خواستار حفظ نظام سرمایه داری وابسته بودند و تنها به یک سری اطلاعات در چهره رچوب این نظام دست زدند . آنها حاضر نشدند قراردادهای مهم اقتصادی (نظیر قراردادهای

● پس از قیام " دولت " و " شورای انقلاب " دست در دست هم ، نه فقط نتوانستند به خواست های اساسی توده ها که شهدای بی شماری را در راه کسب آن داده بودند ، پاسخ دهند ، بلکه در مقابل این خواست ها با تمام قوا ایستادند .

نفت) و نظامی (نظیر قراردادهای دوجانبه ایران و آمریکا) را در معرض قضاوت توده ها قرار دهند . امیرانتظام بی شرمانه به " قطور " بودن قراردادهای وقت زیادی که مطالبه آنها میگیرد! اشاره کرد و بزدی از " مفید بودن " برخی از قراردادهای سخن گفت ، آنها نه فقط حاضر نشدند دستاری خسارت از امپریالیست ها مطالبه کنند بلکه به آنها خسارت نیز پرداخت نمودند . بازرگان این نخست وزیر محبوب آبت الله خمینی از بازپرداخت سرمایه های به اصطلاح ملی شده امپریالیست ها حرف زد و آنرا مفید به حال ایران نامید .

بدین ترتیب " دولت " و " شورای انقلاب " دست در دست هم نه فقط نتوانستند داده بودند پاسخ دهند بلکه در مقابل این خواست ها با تمام قوا ایستادند و کمونیست ها این پیگیرترین نیروی ضدا امپریالیست را که بر همین خواست های انقلابی توده ها پای میفشردند مورد تهاجم و سرکوب قرار داده و آنان را " ضد - انقلاب " قلمداد نمودند . اما هیئت حاکمه در صدد وصله بینه کردن سیستمی بود که عمیقاً شکاف برداشته و گندیده بود و این گندیدگی که ریشه در وابستگی این سیستم به امپریالیسم داشت خود موجر بحرانی بود که در مقطعی از حرکت خود ، شاه و سلطنت را فرو بولعید و باز همچنان ادامه یافت ، چرا که سیستم گندیده همچنان پا برجا مانده بود .

ادامه بحران اقتصادی - اجتماعی جامعه و ناتوانی هیئت حاکمه از مهار کردن آن ، تأثیرات مستقیم این بحران سرزندگی و معیشت توده های تحت - ستم ، بیش از پیش بحران سیاسی جامعه را دامن میزد و توده ها را در مسیر اعتلای مبارزاتی نوینی قرار میداد .

خواست توده ها و به اعتبار آن حرکات اعتراضی و مبارزاتی آنها نه تنها فروکش نمی کرد بلکه بیشتر اوج می گرفت و در این میان جنبش کارگری و بخصوص جنبش ملی خلقها ، دم به دم گسترش یافته و به مراحل جدیدی از اعتلای انقلابی دست می یافت . هیئت حاکمه از هوسو تحت فشار قرار می گرفت . به همین لحاظ برای خروج از این بن بست ، در شهریور ماه هجوم همه جانبه ای را بر علیه خلق کرد ، حریم آزادیهای بدست آمده از قیام توده ها و بر علیه نیروهای انقلابی و کمونیست تدارک دید . با این امیدواری و خیال باطل که توده های نا آگاه را برای همیشه بدنبال خود دارد و خواهد توانست با چنین تهاجم و سرکوبی خود را از بحران نجات دهد . اما چنین سیاستی نه فقط نتوانست هیئت حاکم را از بحران نجات دهد ، بلکه بر عمق بحران نیز افزود . شکست راه حل نظامی در کردستان ، اوگیبری جنبش بیکاران (که بنا به گفته عناصر هشیارتر رژیم ، روزانه ۲۵۰۰ نفر بر تعداد آنها افزوده میشود) ، گسترش جنبش دانش آموزان ، اوگیبری جنبش کارگری و ... همه و همه پشت رژیم حاکم را می لرزاند و شکافهای درونی آن را افزونتر می کرد . توده ها در تجربه زندگی خود و به یاری افشاکری وسیع نیروهای راستین انقلابی و کمونیست ، بیش از پیش به ما هیئت عملکردها و سیاست های ضد انقلابی هیئت حاکمه پی بردند . ارتجاع به سرعت در سایشی انفرادی قرار گرفت و از صدای ترک برداشتن سقف سیستم حاکمه به وحشت افتاد .

بقیه در صفحه بعد

بقیه از صحنه، قتل بیباکانه سا زمان ... شکست مفتوحانه انتخابات شوراهای شهر که در آن تنها ۸ تا ۱۰ درصد مردمی که می‌توانستند رأی بدهند شرکت کردند، بی‌علاقگی و سپس نفرت توده‌ها نسبت به "مجلس خیرگان" و خیمه‌شب‌بازی درون آن و ... همه و همه نشان دادند که چگونه توهم توده‌ها به سرعت در حال فروربختن است و همراه با این، حرکات زحمتکشان و توده‌های فقیر شهری برای اشغال خانه‌های مسکونی خالی سرمایه داران، مصادرّه، زمین‌های زمین‌داران، اشغال هتل‌ها توسط دانشجویان مبارز، جنبش حق طلبانه و انقلابی میادان سندر انزلی و ... نشان می‌داد که توده‌ها چگونه به ابتکار عمل خویش قوانین رژیم را زیر پا می‌گذارند و برای بدست گرفتن مقدرات خود بدست خویش بیباک می‌خیزند، و اینها همه در حالی است که وضعیت اقتصادی رژیم روز بروز به سمت ورشکستگی و بحران بیشتر فرومی‌رود و هیچ چاره‌ای برای درمان آن نمی‌یابد.

هیئت حاکمه هر روز بیشتر از روز پیش زیر پای خود را خالی می‌دید و با هر اقدام و حرکت جدید خود، این فضای خالی را عمیقتر می‌کرد. این بحران سراسری جامعه، بدون شک تأثرات خود را بطور مستقیم در رشد تضادهای و تناقضات درونی هیئت حاکمه نیز باقی می‌گذاشت و بیش از پیش بر آنها دام می‌زد. منازعه سرسر "نیزه" در شرکت نفت، افتتاح وزارت بازرگانی و دعوی سرسر آن میان دو جناح هیئت حاکمه، حملات و تهاجمات روحانیت صاحب قدرت و عناصر وابسته به آن، به دولت بازرگان و ... در نظرات و میتینگ‌ها و ... همه و همه تحلیلات بارز چنین اختلافات و شکافهای درون هیئت حاکمه بود.

دولت بازرگان در طی این مدت با ترمیم و بازسازی سیستم سرمایه‌داری وابسته و سرکوب جنبش خلقها "پاسخ خود را به بحران جامعه و خواسته‌های توده‌ای داده و به اندازه کافی رسوا شده بود و دیگر چیزی در چنگ نداشت. این پاسخ‌ها دیگر نمی‌توانست و نمی‌تواند برای رژیم، کارساز و لازم را داده باشد. جناح دیگر رژیم، یعنی روحانیون صاحب نفوذ و قدرت و هم‌دستان آنها که طی یکی دو ماه اخیر در پارسا سگویی به این بحران کوشیدند تا با حرکات سی از قبیل تشکیل تظاهرات "وحدت امام با امت" قدرت را فول یا بنده را از سقوط نجات دهند، اینبار دریافته‌اند که باید به اقدام "قاطع تری دست زنند. آنها دریافته‌اند که آبروی بر باد رفته، هیئت حاکمه را با یک میتینگ و تظاهرات ... نمی‌توان باز یافت. رفرا دوم قانون اساسی و انتخاب رئیس جمهور در پیش بود و نمی‌بایست اجازه داد که سرنوشت شکست آلود انتخابات شورای شهرها در اینجا نیز، اینبار با دامنه بیشتری، حاکم شود.

● تردیدی نیست شاه‌خائن را باید بازگرداند و حکم اعدام او را در دادگاه، خلق صدها بار صادر نمود و اجرا کرد. اما این فقط جزئی ناچیز از خواسته‌های ضدامپریالیستی توده‌های مردم است.

تفسیر و تحولات درونی هیئت حاکمه و حرکت اخیر "شورای انقلاب" و "خمینی" در هماهنگی با بخش‌ناچیزی از خواسته‌های ضدامپریالیستی خلق ما، در متن چنین شرایطی معنای واقعی خود را بازمی‌یابد و در حقیقت پاسخ این بخش از هیئت حاکمه به بحران اقتصادی - اجتماعی جامعه، فشار ناشی از مبارزات او جگیر و گسترش یافته، توده‌ها و شکافها و تناقضات درونی هیئت حاکمه است. اما اینها که امروز چتر خویش را بر مبارزات ضدامپریالیستی توده‌ها گسترده‌اند و می‌کوشند تا با بهره‌گیری از آن اقتدار روبه‌افول خویش را باز یابند، مسلماً خواهند کوشید تا این مبارزه توده‌ای را نیز در جهت تثبیت حاکمیت خویش، به انحراف بکشانند و با حداقل در مجاری فرعی و انحرافی دچار بین بست نمایند. اینها می‌کوشند تا استرداد شاه‌خائن و حاکمه و اعدام او را که فقط بخش بسیار کوچکی از خواسته‌های انقلابی توده‌ها است در محور مبارزات و خواسته‌های ضدامپریالیستی توده‌ها قلمداد نمایند. تردیدی نیست شاه‌خائن را باید بازگرداند و حکم اعدام او را در دادگاه خلق صدها بار صادر نمود و اجرا کرد. اما این فقط جزئی ناچیز از خواسته‌های ضدامپریالیستی توده‌های مردم است.

خواست‌های اساسی توده‌های تحت ستم ما، نابودی سیستم سرمایه‌داری وابسته‌ای است که با هزاران بند به امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم بقیه در صفحه ۱۹

بقیه از صحنه، قتل

ناشود نگردند. ما تمام این سرگیس پادشا - هی را پاک کردیم طوری پاک کردیم که هیچکس در گذشته چنین نگرده بود. از آن سنای کهن بیسی سیستم امتیازات - اجتماعی ما به یک سنگ، و نه یک آجر باقی نگذاشتیم. (حتی پیشرفته‌ترین کشورها مانند بریتانیا، فرانسه و آلمان بقایای این سیستم را تا به امروز کاملاً منفی نگرده - اند) ما ریشه‌های عمیق سیستم امتیازات - اجتماعی، منسی بقایای فئودالیسم و سراز را در نظام زمینداری تا به آخر ریشه کن کردیم. "برخی افراد ممکنست" در باره نتایج رفرم ارضی "در درازمدت" که توسط انقلاب اکثر عملی شده، مجدداً کسد. (قلم زنه‌ای ریادی چون کادشها، منویکها و سوسبال رولوسیوسرهای خارج چس استدلالها را روح می‌دهند.) ما اکنون مثل نادر وقت را برای چنین مشاجراتی هدر بدهیم، چه ما این امر و همچنین اسوه مشاجراتی را که همراه آنست با مبارزه تعیین می‌کنیم. اما این واقعتاً را نمی‌توان انکار کرد که دمکراته‌های خرده بورژوا با زمینداران - پاسداران ستهای سراز - به مدت هشت ماه سازش کردند، حال آنکه ما زمینداران و جمیع ستهایش را در عرض چند هفته از خاک روسیه جارو کردیم. مذهب، یا نفی حقوق زنان، یا ستم و نابرابری ملیتهای غیر روس را در نظر نگیرید. اینها مسائل انقلاب بورژوا - دمکراتیک هستند. دمکراتهای خرده بورژوا می‌توانند در باره آنها حرف زنند.

حتی برای نمونه در هیچیک از پیشرفته‌ترین کشورهای جهان این مسائل در محدوده بورژوا - دمکراتیک کاملاً حل نشده است. این مسائل در کشور ما با قانون گذاری "انقلاب اکثر" کاملاً حل شده است. ما مجدداً علیه مذهب مبارزه کرده و می‌کنیم. ما به تمام ملیتهای غیر روس جمهوریها با مناسبت خود مختار خودشان را واگذار کرده‌ایم. در روسیه دیگر با انکار ردیلان و پست و شیعی حقوق زنان یا عدم برابری جنسها، این پس مانده نفرت انگیز منووالیسم و قرون وسطی، که بوسیله بورژوازی حریص و خرده بورژوازی تنگ نظر و جبون که در هر کشور دیگر در جهان بدون استثنا، جان گرفته است، مواجه نیستیم.

(ادامه دارد)



"نگاهی به کارنامه استاندار خوزستان"

مدنی کیست؟ چرا او را کاندیدای ریاست جمهوری کرده‌اند؟

برسد. هرکس که زیرساخت‌های مخابراتی را امضا کند، مردم ایران خاستگانه است. زیرا ساختار مخابراتی ایران قطعه قطعه می‌شود.

(پس‌امروز، ۱۴ خردادماه ۵۸)
سوروزای ایران نیک میدانند که برای غارت و چپاول خلقها باید حکومتی مطلقه و متمرکز داشته باشد. حکومتی که با اعمال ستم دوگانه بر خلقها با زار و دردست سوروزای ملت حکم (فارس) قرار میدهد. اما چون خود-مختاری در مقابل این مهل و حرص سوروزای

بعنوان نمونه دکرمی کسیم، فرمانده نیروی دریایی در ساح خیرنگاری که می‌برد، آبا ایران به شیخ نشینان خلیج فارس که مورد تهدید کمونیستها هستند کمک خواهد کرد می-گوید: "ما کوشش خواهیم کرد که در اموریایر کشورها مدخله کسیم، اما اگر مردمی که نمی-توانند از خود مدافع کنند ما طلب کمک کنیم- این وظیفه ما است که ما آنها کمک کنیم".
(تا کید از ماست، آیدگان ۴ خننه ۱۹ اردیبهشت ماه ۵۸).

"مرگ برمدنی" این شعار از جمله شعارهایی است که اینروزها برادر و دیسوار شهرهای خوزستان دیده می‌شود! براساس مدنی کیست؟ چرا تا این حد مورد تنفر مردم آگاه جنوب است. مدنی که اینروزها عکسهای ریز و درشت او را بر درو دیوار شهر می بینیم و از او بعنوان سرباز دیرین "انقلاب" و امید آینده ایران! یاد می‌گیرد و شمسار بودنش را زیر سربوش عنوان دکتتر مخفی میکنند (بهرحال مردم مایک دکتتر را بهتر از یک تیمسار می پذیرند) ویر "سید" (۱) بودن او تاکید می‌ورند، عضو هیئته ملی و از همبلا- لکچهای بختیار نوکری اختیار رویی چون و چوای آمریکا می‌باشد. سبب نیست که تیمسار مدنی در مباحثه‌ای با روزنامه "لوموند" دفاع از بختیار را نشان که امروز سرسپردگیش به امپریالیسم آمریکا کاملاً روشن شده می‌پردازد. سببش چگونه؟ "بختیار سردی شریف، صادق و لایق بود اما حلقه‌های زرگری مرتکب شد. باید به او اجازه داده شود که بعنوان یک شهروند ساده ایران، ساگر گردد." (آیدگان شنبه ۶ مردادماه ۵۸)

- از دید تیمسار مدنی، بختیار صادق است! اما نسبت به کی؟
- سیر و قایح خیلی زود ما ساک از چهره دریا سالار کند! و اجازه نداد که جناب تیمسار بر برای مدت درازی در پوستین شبان باقی بماند!
- مدنی: هرکس که زیر سند خود مختاری را امضا کند، ب مردم ایران خیانت کرده است.

ملیت حکم قرار دارد مانع از تشکیل حکومت مطلقه و دیکتاتوری می‌گردد، اینست که می-بینیم برای فرمانده نیروی دریایی که تنها کتون با عملکردها بش نشان داده اویسی دیگری است که میخواد همچنان سا کشتا روسکوب خلق، اما در لباس مردم دوستی و وطنخواهی و زیر لوای مبارزه با ضد انقلاب و افراد وابسته به سیکانه، منافع سرمایه داران وابسته و امپریالیستها را نشسد، تصوراً اعمال قدرت نموده‌ها (۲) ا طریق خود مختاری، دیوانه-کننده و کینه‌توزانه به آن حمله می‌کند.

آری، شاه خاشن سزما همین منطق کمک رسائی و زیرسربوش مبارزه با "نفوذ کمونیست-ها" بود که بدسال کمک طلبیدن دولت ارتجاعی عمان به آنجا لشکر کشی کرد و مردم مبارزان سا مان را سا خاک و خون کشید. جالب اینجاست که مدنی، پس از مباحثه وقتی می‌بینید، بد-جوری پنهان شد با آب افتاده، مباحثه دیگری با خبرنگار کسپان ترتیب می‌دهد و طی آن از فلسطینی‌ها پرسشهایی میکند، اما دیگر دیر شده بود.

ما برای آنکه این جلاد خلق عرب را بهتر و مشخص تر معرفی کنیم، در صفحات آینده به شرح گوشه‌های از عملکردهای وی خواهیم پرداخت.

الف - مدنی و مسئله خود مختاری خلق عرب

مدنی هم ما ساند سگر همبلا لکچهای پیش در هر فرصتی به مسئله خود مختاری که یکی از مهم ترین خواسته‌های خلقهای ایران و از جمله خلق عرب است حمله می‌کند و بدین ترتیب پیش از پیش ما هیئت را بنمایش می‌گذارد. به گوشه‌هایی از نظراتش در زمینه خود مختاری توجه کنید:

وی در این مورد به هیئت تحقیقی که به منظور بررسی وقایع خوزستان به آن استان رفته بود اظهار می‌دارد: "در خوزستان یک مبلوس عرب ابراسی زندگی می‌کند و سببش که اکثریت را تشکیل می‌دهند، فارس هستند. کل خوزستان برای ما مطرح است. من خود-مختاری را املا نمی‌پذیرم." (آیدگان ۱۶ خردادماه ۵۸).

مدنی در مباحثه‌ای دیگر در مورد خود مختاری می‌گوید: "اصولاً خود مختاری مثل شمشیر دو دم است، که دم‌ش در خدمت امپریالیسم بکار می‌رود. ملی که در چنگال امپریالیسم است، نتواند از خود مختاری حرف

از دید تیمسار مدنی، بختیار صادق است! اما نسبت به کی؟
نسبت به خلقهای ایران با امپریالیسم آمریکا؟ نگاه به عملکردهای بختیار پاسخ این سوال را مشخص می‌کند.
تیمسار مدنی در کابینه با رزگان وزیر دفاع شد، ولی دوماه بعد استعفا کرد و بلافاصله به استانداری خوزستان و فرماندهی نیروی دریایی منصوب شد. و حکمروای مهم‌ترین استان از نظر اقتصاد و موقعیت جغرافیایی گردید.

مدنی در آغاز کار رسبلا رکوشید با عوام-فریبی خود را عنصری انقلابی و ملی جا بزند و در این زمینه تا اندازه‌ای هم موفق شد، به طوری که پس از استعفایش از وزارت دفاع تعدادی از پرسنل نیروی دریایی که تحت تاثیر عوام فریبی‌های او قرار گرفته بودند ضمن یک راهپیمایی اعتراضی خواستار اقامت استعفا ی مدنی از پست وزارت دفاع شدند. اما سیر و قایح خیلی زود ما ساک از چهره دریا سالار کند! و اجازه نداد که جناب تیمسار بر برای مدت درازی در پوستین شبان باقی بماند! اگرچه ماهیت مدنی از همان ماههای اول استانداریش، از لابلای مباحثه‌هایی که انجام داد تا اندازه‌ای مشخص شد، ولی عمل-کردهای فاشیستی وی در خوزستان و نقشش در کشتار روسکوبی خلق عرب دستش را حسابی روگرد و نشان داد که این بار دیرینه بختیار خاشن، ادامه دهنده همان راهی است که او نتوانسته بود دنبال کند.

در زیر قسمتی از مباحثه‌ای را که ایشان در مباحثه‌ای اول استانداریشان انجام داده‌اند

مدنی همواره گوشه‌ده است حق خود - مختاری خلقها را (که عبارتست از مله مسئله ارضی و آزادی درسنا به بریزی زندگی اقتصادی، سیاسی و... بر اساس ضرورتها و نیازهای ملی و محلی خویش در چرخه‌ها و چوب ایرانی مستقل و آزاد) آگاهانه و خاشانه‌وار و رونه جلوه دهد و آنرا "تجزیه طلبی" معرفی کند تا بهتر بتواند با تحریک افکار عمومی علیه خلق عرب، زمینه را برای کشتار روسکوب وحشیانه آنها آماده سازد.

(۱) - بادمان هست که وقتی "مرح" زن شاه خاشن همه تشرها پیش در مریب نموده‌ها سبک خورد، "سید" بودن خود را علم کرد و آنرا سر حسته نمود.

(۲) - سببش است وقتی صحبت از اعمال قدرت نموده‌ها می‌کسیم، به نلسرانیهای چوون شمر حاقانی و پاکسانی که وجودشان اساشته ارضی با سوانالیتی تنگ نظرانه است، بلکه تنها و تنها به طبقه کارگر نظر داریم. ما همانطور که بارها گفته‌ایم مدافع پیگیر حق شعبین سروشست برای خلقها هستیم و معتقدیم که این حق تنها در جمهوری دموکراتیک خلق است که تحقق خواهد پذیرفت.

بقیه از صفحه ۱۶

معتبر نمی دانند و در فرمول و قرارهای اوستا کارگران میزند که هبست خاکدما را دادها و بیمانی های نظامی و غیر نظامی شاه خا شن با امپریالیستها را معتبر دانسته و آنها را وادار است!!

اما آنچه که در اسطفا مسا ررات کارگران بیماری صنعت نفت قابل تا مل است ، عدم هماهنگی ، نبودن وحدت عمل در امر پیشبرد مسازره با طراستدائی تریس حقوق خویش یعنی رسمی شدن می باشد ، که بدون آن رسیدن به این خواست سرحی امکان پذیر نخواهد بود . در اینجا با گذر از عوامل عینی این سبب ها هم هستی ، به کمبود عمرا آگاهی ، کم کاری کموسسها در مان این سخن ار کارگران بطور مشخص اشاره کرد .

تجربیات ، همکاری و ششمانی کارگران رسمی نسبت به درد سبب های رفقای کارگر پدما سی نه اسدائی تریس حواسنان در خود می تواند مفید باشد .

راه پیمائی کارگران پیکار رشت

صبح روز چهارشنبه ۵۸/۸/۹ حدود ۱۵۰ نفر از کارگران پیکار رشت ، مقابل اداره نیروی انسانی اجتماع نموده و سپس با شعارهای "کار ، کار ، حق سلم ماست" ، "مرگ بر سرمایه دار عامل بیکاری" ، "جنگیدیم خون دادیم ، چرا هنوز بیکاریم" ... دست به راهپیمائی زدند .

تظاهر کنندگان پلاکاردهائی با مضمون "مرگ بر سرمایه دار عامل بیکاری" ، "شما فقط بیکاری را می شنوید اما ما با تمام پوست و گوشت خود درد بیکاری را حس میکنیم" زحمتکشان بدانند ما بدون پشتیبانی شما نمی توانیم از بیکاری ، گرسنگی و گرانی رهایی بیابیم " و ... با خود حمل میکردند . یکی از کارگران برای رفقای بیکارش سخنرانی کرد که مضمون سخنانش چنین بود : "معاون استانداری به ما کارگران بیکار قول داد که حدود ۵۰۰ نفر از ما را تا امروز به سر کار بفرستد ولی حرفش عملی نشده است . در حالیکه ما میدانیم یکی از مشکلات اساسی ما بیکاری است ، این دولت به اصطلاح انقلابی چگونه اقدامی برای رفع بیکاری ننموده . سعد از قیام تعداد معدودی از کارگران سر کار رفته اند ، مثلا در کارخانه پووش که گنجایش ۶۰۰ نفر کارگر دارد در حدود ۲۰۰ نفر کارگر می کنند . این دولت هنوز قانون منع استخدام کشوری را در کارخانه ها و اداره ها لغو نکرده ، استاندار نیز ما را که بیکاری از قبیل "اخلال گر" و "ضد انقلابی" میزد ولی حالا برای ما کارگران روشی شد که ایضا خود مرتجع و دشمن خونین ما کارگران میباشند ... مقابله مات " دولت انقلابی " در رشت به خواسته برحق کارگران شریف و زحمتکش هیچگونه پاسخی ندادند و این تبعیض آور نیست ، چرا که از دولت حامی سرمایه داران و زمین داران نمی توان انتظار دیگری داشت .

و بیکتاتوری وی را محدود میکنند شدت نفرت دارد ، از اینرو با راهها و بارها برای سرکوب شوراها و کارگران مبارزه اعمال مختلف دست زده است ، از جمله اینکه ما می کارگران مبارز را تهیه و با مدارک ساواک مطابقت داده بودند تا شاید با دست آوردن مدارکی ، مانع فعالیت انقلابی آنان گردد !

وقتی "شورای کارکنان شرکت سدک - سد ایران" چندتن از عوامل رژیم پیشین و مهره های امپریالیسم را از شرکت اخراج نمود مدتی ضمن بحثنا مدای "شورای اسلامی کارکنان سدک - سد ایران" را منحل شده اعلام کرد و از سرپرست عملیات شرکت خواست کسانیکه با این شورا همکاری میکنند و از این طریق در امور شرکت "دخالت" میکنند ، با نام و مشخصات به استانداردی معرفی کنند . عین بخشنا مه راد زیر ملاحظه میکنید .

ادامه دارد

ب - مدنی و عملکردهای ضد کارگریش

کارگران آگاه خوزستانی با عملکردهای این عنصر مدخلق و ضد کارگری خوبی آشنا شدند . در چند ماه اخیر مدنی چهره ضد کارگریش را بخوبی نشان داده است . او هر جا که شواست اعتمابات و اعتراضهای کارگران و زحمتکشان را با سرکوب و حشونت پاسخ گفت . وی حتی در مواردیکه کارگران با شما بندگان کارفرما در حال رسیدن به توافق بودند ، از کارگران میخواست که مسببب اعتماب را معرفی نمایند . و با این کار خشم و نفرت کارگران را برمی انگیزست . وی دیوانه وار می کوشد که هر اعتماب و اعتراضی را ، بجای بی و با کسانیکه نسبت دهد تا سرکوب آن آسانتر باشد .

همانطور که قبلاً گفته شد مدنی از اعمال حاکمیت شده ها که سوعی دامنه آسار کمیکتی

دکتر سید احمد مدنی



استاندار خوزستان

۳۵۹۱۴
۱۲۵۸/۲/۱۷

سرپرستی عملیات شرکت سدک و سد ایران

بموجب سوابق موجود در استانداری شورائی در آن شرکت تشکیل یافته بنام شورای اسلامی کارکنان سدک و سد ایران که این شورا در امور شرکت دخالتشائی مینماید تا آنجا که حتی اقدام به اخراج پاره ای از کارکنان میکند .

چون در اجرای امرامام باید بتدریج مسئولان و مدیران تمام سازمانهای دولتی و کارخانجات و موسسات مسئولیتهای خود را عهد و دار شده و از اختیارات خود برای اداره هرچه بهتر کارخانجات و موسسات استعاده نمایند و افراد غیر مسئول در جریان کارها حق دخالت و تعیین گیری نداشته باشند از اینجهت برای اینکه امور در آن شرکت روال عادی داشته باشد و از دخالت افراد و سازمانهای غیر مسئول در امور شرکت جلوگیری بعمل آمده باشد . بدینوسیله انحلال شورائی که در آن شرکت تشکیل یافته بود اعلام میگردد و از این تاریخ هیچکس تحت هیچ نام و هیچ عنوان به اسم شورا حق دخالت در امور شرکت را ندارد .

خواهشمند است مراتب را به افرادیکه بنام شورای اسلامی کارکنان سدک و سد ایران در امور شرکت دخالت میکردند ابلاغ و هرگاه از این تاریخ این دخالت ادامه یافت چگونگی را به استانداری اعلام و این قبیل افراد را بنام معرفی فرمائید .

دکتر سید احمد مدنی

استاندار خوزستان

۱۲۵۸/۲/۱۷

نگاهی به قانون اساسی محصول مجلس خبرگان (۵)

بکشند و از آن میان به یکی از آن مذاهب موقبت و حاجگاهی ویژه به بخشند، و نازه مهر "الی الاید غیر قابل تغییر است" سر آن نگویند، بدان علت است که "قشر ممتاز روحانیت" را در مسند "ممتازی" که بدست آورده است تثبیت کنند، و با چفت و بست های متعددی که در سایه ای قانون اساسی کار گذاشته اند با حصار خود در آورند. در اینجا مسئله اساسی همان قدرت سیاسی است که توحیفات مذهبی و تمسک به اکثریت داشتن این یا آن فرقه، و معیار قرار دادنش تنها معنایه و سله ای به منظور حفظ هر چه مطمئن تر است قدرت بیکار گرفته شود. در واقع اصل یازدهم قانون اساسی چیزی جز یکی از همین چفت و بست های متعدد نمی باشد.

ادامه دارد

در شماره های گذشته "پیکار" به برخی ارمویات مجلس "خبرگان" پرداختیم و نشان دادیم که اصولی که بعنوان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در حال تدوین است تا چه حد از خواسته های اساسی بوده است. فاصله دارد، خواسته هایی که انقلاب خونین ایران می الواقع بر پایه آنها شکل گرفت اکنون نیز در دنبال بحث خود به بررسی و ارزیابی کار "خبرگان" ادامه می دهیم:

- اصل یازدهم -

"دین رسمی ایران اسلام و مذهب جمعری اثنی عشری است و اسن اصل الی الاید عبر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، و حنبلی دارای احترام کامل می باشند و پیروان این مذاهب آزادند در احکام مراسم مذهبی خود طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصی (ازدواج- طلاق- ارث و وصیت) و دعای مربوط به آن رسمیت دارند و در هر منطقه که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند مقررات محلی در حدود احترامات شرعیه بر طبق آن مذهب خواهد بود تا حدی که حقوق پیروان سایر مذاهب.

همانطور که ملاحظه میشود دین رسمی جمعری اثنی عشری است که "الی الاید غیر قابل تغییر است" و رسمیت دیگر مذاهب را تنها به "تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصی" محدود کرده است. این امر آنگاه اهمیت بیشتری می یابد که در نظر داشته باشیم بسیاری از خلقهای غیر فارسی (کرد، بلوچ، ترکمن، عرب) از مسلمانان غیر شیعه می باشند (حدود ۱۱ میلیون نفر) با توجه باینکه رژیم کنونی سیاست رسمی حقوق ملی خلقها را در پیش گرفته است، تصویب چنین قانونی که ملا ابعاد سیاسی به خود میگیرد، تشنج در مجلس "خبرگان" به هنگام بحث پیرامون این اصل و بدنبال آن نظرات گسترده مردم در زاهدان، که علیرغم مخالفت با اصطلاح نامیده شده در مجلس صورت گرفت، بیانگر این امر است. این در حالی است که حضرات "خبرگان" خود گاه و بیگاه ناله و فغان بر میدهند که گویا این "عمال بیگانگان" هستند که به اختلاف "شیعه و سنی" دامن میزنند! بدین - ساز این "رطب خوردگان" که "منع رطبت" میکنند، از این طریق میگویند بر انحصار طلبی و کوتاه نگری خود پرده سانساز میکنند. اسحار طلبانی که میخواهند حاکمیت باد آورده خود را که بر پایه سوا استفاده از اعتقادات بوده ها کسب کرده اند، با قید اینکه "اسن اصل الی الاید غیر قابل تغییر است" جاودانه کنند. آبتاله خمینی در

- اصل سیزدهم -

"خبرگان" اصل سیزدهم قانون اساسی را که حقوق دیگر اقلیت های مذهبی را نادیده میگیرد بشرح زیر بصیوب رسانند: "ایرانیان زرتشتی - کلیسیایی و مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته میشوند که در حدود مقررات اسلامی در احکام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل می کنند."

اسن اصل علیرغم مخالفت های "تشیبندگان" پیروان این مذاهب، بصیوب رسید. "خبرگان" با بی توجهی ورد پیشنهادهایی که از طرف "تشیبندگان" آن مذاهب داده شد، مهر شایسته بر اصلی گذاشتند که حتی انجام مراسم دینی شان را نیز در حد و مقررات اسلامی حایز دانسته است! اتخاذ چنین رویتهای تنگ نظرانه از سوی هیات حاکمه و "خبرگان" تنها در این زمینه خلاصه نمیشود، بلکه گوشه ای از سیاست واحدی است که در تمامی زمینه ها عمل میکند.

روش کمونیستیها در مقابل مذهب

روش کمونیستیها در مقابل مذهب کاملاً روشن است. ما هرگونه تقسیم بندی و تبعیض بین افراد را بر مبنای مذهب بکلی مردود میدانیم. ما جداً به این گفته لنینین آموزگار رطب که رگرمعتقدیم که میگوید: همه - کس باید مطلقاً آزاد باشد تا به هر مذهبی که مایل است، بیا هیچگونه مذهب، بیعتی خدانشناسی که هر سوسیالیستی بعنوان یک قاعده چنین است، متعلق باشد. اسکه "خبرگان" کوشیده اند که خط مابزی سن ادیان و مذاهب گوناگون

دستگیری بخاطر پخش اعلامیه

ساعت ۱۰ صبح روز جمعه ۱۱ آبان، سولتی نهر در ارتهران به دعوت "احمدی" اسلامی جنوب تهران " برای سخنرانی به گود "نادی" واقع در خیابان شهید هردی (غار ساس) میروند. در اثنای سخنرانی چند نفر از حاضران متوجه میشوند که افراد کمیته - که به نگهبانی محل مشغول بودند - چند نفر را بجرم پخش اعلامیه دستگیر کرده و به کمیته برده اند. (۲) پس از پایان سخنرانی، اهالی که از این موضوع باخبر میشوند، با شعار بظرف کمیته بسراوه می افتند. شعارها عبارت بودند از: براد زبندانی آزاد باید گردد، "مرگ بر مسعسین: ساواک سیا، مرتجعین"، "مرگ بر ارتجاع" و ...

نظا هر کنندگان پس از رسیدن به محبل کمرته در مقابل آن اجتماع کرده و دوباره شروع به شعار دادن میکنند. در اینجا یکی از پاسداران به مردم حمله ور شده و دیگری شروع به تیراندازی هوایی میکند. مردم ابتدا عقب می نشینند ولی دوباره جمع شده، شعار میدهند که بالاخره کمیته چی-ها در اثر فشار مردم، محسور به آزادی دستگیر شدگان میگردند.

« قسلاً نیز اعلامیه هایی به امضای "عده ای از اهالی دروازه غار" در منطقه پخش شده بود که مضمون آن افشاکری در ساره "سنوات محمد خوش جان" رئیس کمیته و حاجی هردی سرپرست کمیته بوده و از جمله گفته شده بود که وقتی ما موران کمیته میدان غسار سلاحهای محاهدین خلق را ضبط کردند، مقدار زیادی از اسلحه های سک را به فروش رسانده اند.

فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع زحمتکشان باشد

مصاحبه با يك صياد مبارز بندر انزلی

● می گویند صبر انقلابی! داشته باشید، ۷ ماه است صبراً انقلابی میکنم. کلی بدهکارم، قرض کردم خوردم که فردا صیدی بکنم... ولی دیگه بچه من که صبر انقلابی سرش نمیشه.

● در حالیکه ما غیر از دو پارو و یک دونه قایق و چند تور ماهیگیری چیز دیگری نداریم که عده‌ای پاسدار بریزن با اسلحه ما را به رگبار ببندند که در آن صورت انقلاب دیگری صورت خواهد گرفت.

● سندیکای صیادان آزاد باید تشکیل بشه.

بی کتاب و بی قلم. من دیگه مسئول یک خانواد هام... اما می بینیم پاسداران رود روی ما فرار دارند. در حالیکه ما غیر از دو پارو و یک دونه قایق و چند تور ماهیگیری چیز دیگری نداریم که بک عده پاسدار بریزن با اسلحه ما را به رگبار مسلسل ببندند که در آن صورت انقلاب دیگری صورت خواهد گرفت. دولت وام بیگاری که تا حالا به ما نداده، شیلات هم که همون قانون طاعتی رومی به رخ ما میکنه، در سمیناری که در مسجد قائمیه داستیم یکی از برادران ما ۱۰ سؤال مطرح کرد که شیلات حتی به یکیشون نتونست جواب بده.

س- میتونین بگین سئوالاتی که شد چه بود؟

ج- اولین سؤال این بود که شیلات به چه دلیل ومنطقی سالیان دراز ما صیادان زحمتکش را قاچاقچی معرفی کرده در حالیکه تمام ملت ایران میدانند که صیاد نه اسلحه ای داره، نه مواد محدر حمل میکنه و نه اسلحه از کشور خارج وارد میکنه و چرا الان در عصر انقلاب هم داره باز همون کارهایی را میکنه که قبلا هم کرد بود. دولت پاسداران از تهران به بندر انزلی آورده و عملاً می بینیم که پاسداران می ریزند. توی خونه بعضی صیادان و حتی نوریان را ضبط میکنند مثلاً نوری یکی از برادران صیادان بنام "حسین آسوری" از ده "امین آباد" را به اتهام اینکه تور مال شیلات، ارزش گرفته اند.

س- غیر از اون خواسته هائی که گفتید، چه خواسته دیگری دارید؟

ج- سندیکای صیادان آزاد باید تشکیل بشه و دولت آنرا برسمیت بنسازه که در رابطه با اون ما بتونیم صیادان واقعی را بشناسیم و برای آنها کارت صادر کنیم و شرکتهای تعاونی بوجود بیاریم که هم وسایل صید و هم احتیاجات دیگر را ارزانتر بخریم.

س- آیا تا بحال به صیادان یا قایقهای آنها تیراندازی شده؟

ج- والله به کلیه قایقهای که مشغول صید باشند، تیراندازی میکنند، هم تودود - خانه و هم تودریا، همین ه دتی بیش دست یکی را با تیر زدن و یکی دیگر از برادران صیادان هم در جالوس بیهوش کردند. چندین قایق را هم ضبط کرده اند، که هنوز در شیلات است.

از این دریا بهره برداری کنیم ولی شیلات فقط ۵ ماهه سو آزاد اعلام میکنه که با در نظر گرفتن روزهایی که دریا طوفانی است و نمیشه کار کرد، عملاً میتونیم بگیریم که جمعاً سه ماه کار داریم. قانون ۵ ماه صید در سال قانون محمد رضا شاهیه که به زور سرنیزه درست شده. اگر دریا نباشه هم خود صیاد مرده است وهم خانوده ماش. اگه صیاد نتونه دو تا ماهی بگیره بیاره خونه، با باید از دیوار مردم بالا بره یا باید بره بساط تریاک راه بیاندازه و یا به قاجاق هروشن بریزد. مقامات مسئول باید بیان ببینن که آیا تا سال ۱۳۴۳ صید در دریای خزر آزاد بوده یا نه؟ پس اگر به چنین نتیجه ای رسیدن که صید تا آن موقع آزاد بوده دیگر چرا این قانون تحمیلی را باز جلوی ما میدارن؟

س- اگر به خواسته های شما ترتیب اثر نندن، شما چکار می کنید؟

ج- ما می ریزیم تو دریا، ما کارمون فقط صیادیه، نه زمین زروعی داریم و نه هیچ کار دیگری. من خودم ماهی ۶۰۰ تومان کرایه خانه میدم. میگویند انقلاب شده صبر انقلابی می کنیم، کلی هم بدهکارم، قرض کردم خوردم که فردا صیدی بکنم، بتونم بدهی ام را بدهم، ولی دیگه بچه من که صبر انقلابی سرش نمیشه. اون که نمیتونه هم گرسه سازه هم



صیادان زحمتکش در تلاش سی ک...

آنچه در زیر میخوانید، متن خلاصه شده ای از مصاحبه می باشد:

س- الان چه تعداد صیاد آزاد وجود دارد که هیچ شغل دیگری ندارند؟
ج- از آستارا تا بندر ترکمن صیاد آزاد خیلی رهاه، حدوداً بیش از ده هزار نفره ولی در مصاحبه ای که در راد پوتلوویزیون بعمل آوردند، گفتند که صیاد به اون تعداد موجود نیست در صورتیکه در سمیناری که در مسجد قائمیه داستیم، ۳ تا ۴ هزار نفر آمده بودند، با توجه به اینکه بقیه یا اطلاعی نداشتند و یا مجلسون دور بود و نتونسته بودند بیان اینجا.

س- به چه ترتیب صیادها در شرکت ها و انجمنی استعمار میشن؟

ج- صیادها از محل زندگی و کاشا نه خود دور مس، میرن در سواحل مازندران و گیلان مسخر مسن و شروع به صید میکنند. اگه این صیادها ناهمی زیاد گرفتن و صیدشان خوب شد، سلات در مقابل اون پولی بهشان پرداخته میشن، اگه (ماهی) نگرفتن، باید گرسه بجا بیاورند حتی غائله شان هم باید گرسه بجا بیاورند و سلات هیچگونه کمکی به صیادان نمی کند. ما صیادان آزاد ۱۵ سال با رژیم کدسه دست به گریبان بودیم و جنگیدیم. ما صیادان ۱۵ سال انقلاب کردیم و با این ظلم و ستم طاعتی جنگیدیم. انقلاب فقط به این سکن که آدم بره گوشه زندان بخوابه یا آدمو به جسدش بکنن، ما خون دادیم، ما کشته دادیم، ما الان معلول داریم که دست نداره، ما نداره، خانواده بسی سرپرست داره. ما کسه دادیم، آنقدر کشته دادیم تو این دریا سنی صیادها غرق می شدند - وقتی ژاندارم با اسلحه کنار دریا و می ایستاد، صیاد نمی نویسد، ساحل در نتیجه قایقش چپ شده عملاً حرق میشد... این شیلات ۱۵ سال به ما ظلم کرد. حتی اون زمان افسری بود که یکی از دوستانمون کشت و پای یکی دیگر را برید که الان هیچ امرار معاش ندارد... از سال ۴۳ (۲) تا به این تاریخ همین شیلات نوره ای ماهیگیری ما را جمع میکرد و بنام قاجاقچی به آتش می کشید، قایقها مونو ضبط می کرد و نگه میداشت تا می پوسید و از بین میرفت و حتی صیادان را به دادگاه میفرستاد و اونجا صیاد باید میرفت و ۵۰۱ تومان جریمه می داد.

س- آیا در حال حاضر شما حاضرید با شرکت تعاونی شیلات همکاری کنید یعنی عضو شرکت بسین؟

ج- ما زمانی حاضر به همکاری در شرکت تعاونی شیلات هستیم که شیلات حقوق ثابت بیا بده، ما روجه استخدام خودش در بیاره بیمه داشته باشیم، بازنشستگی داشته باشیم، مسکن و بهداشت داشته باشیم. چون هرنوع صیدی یک فصل مشخص داره ما میتونیم مرتب

(۱) - اسم این صیاد زحمتکش محفوظ است.
(۲) - صید ماهی تا سال ۱۳۴۳ در دریای خزر آزاد بود.

شیوه برخورد پرولتری یا خرده بورژوازی؟ (۲) نقدی بر مواضع چریکهای فدائیان خلق

۳- چریکهای فدائیان خلق و احزاب بورژوائی

تظا هرنا پایداری ایدئولوژیک خرده بورژوازی

از آنجا که ما زمان چریکهای فدائیان خلق تاکنون طی یک مبارزه ایدئولوژیک جسدی از موضع پرولتری با خط مشی و تفکر خرده بورژوائی چریکی و بویژه هسته لیبرالی موجود در تفکر و روشی رفیق جزئی که سر حرکت گذشته سازمان ج. ف. خ. اغالب بود مرز بندی قاطع و روشنی ننموده اند. هم اینک علیرغم تنفییراتی در نظرات و عملکردها پشان نسبت گذشته ما تا حدتظا هرنا پایداری ایدئولوژیک خرده بورژوائی در مواضع و سیاستهای س. ج. ف. خ. هستیم.

طوه های این نا پایداری و متزلزل ایدئولوژیک در برخورد به قدرت سیاسی، برخورد به جنبش کارگری و محتوای تبلیغ و ترویج، برخورد به احزاب و سازمانهای سوزوواشی و خرده بورژوائی، برخورد به ریزسوسیسم و سوسیال امپریالیسم و... سروزا آشکارا یافته است.

این برخورد متزلزل و نا پایداری نسبت به مارکسیسم لنینیسم ضرورتاً به مفهوم در خدمت ایدئولوژی سوزوواشی قرار گرفتن است. ما در اینجا ابتدا با مرور کلی و بسیار مختصر بر مواضع و نظرات سازمان ج. ف. خ. طی چند سال اخیر پرداخته و جلوه های تداوم عملکرد هسته تفکر و نظرات گذشته را در سیاستها و مواضع کنونی این رفقا نسبت به احزاب و سازمانهای سوزوواشی و خرده سوزوواشی و... مورد بررسی انتقادی قرار می دهیم.

ما زمان چریکهای فدائیان خلق از بسود پیدایش، گرچه خود را مارکسیست - لنینیست می دانست ولی فاقد بینش طبقاتی پرولتری و برنامهموشی مارکسیستی لنینیستی بوده است. طی دوران رکود جنبش سوزوواشی این سازمان از اساسی ترس و وظایف مارکسیست لنینیست مبنی بر تبلیغ و ترویج سوسیال دموکراتیک، پرورش سیاسی و متضاد بزرگ کردن پرو- لتاریا، توضیح ماهیت مناسبات طبقاتی اجتماعی برای پرولتاریا و از ترویج ایده های اساسی مارکسیسم - لنینیسم در انقلاب دموکراتیک و... (اینکه تنها پرولتاریا رزمنده تا به آخر استوار پاره دموکراسی و استقلال بوده و تنها در صورتی که صورت یک طبقه متشکل شده و دارای حزب رزمنده خود را شدمیتوانند رهبری انقلاب دموکراتیک را بعهده گرفته، خیانت بورژوازی و متزلزل خرده بورژوازی را خنثی کرده و انقلاب دموکراتیک را به انقلاب سوسیالیستی تبدیل نمایند)، سرپا زنده و حتی چنین سیاستی را تفرقه در مغفوف خلق بحساب می آورد. لذا از لحاظ سیاست عملی با مخدوش نمودن موقعیت طبقاتی در انقلاب دموکراتیک نه در موضع

پرولتری بلکه در موضع تمام خلقی خرده - بورژوائی قرار داشت. نتیجه این سیاست جزئی جرتبدیل پرولتاریا به خرده بورژوازی و محروم کردن پرولتاریا از شعور طبقاتی و سیاست مستقل نیست.

رفیق بیژن جزئی یکی از تنوریسینهای خط مشی چریکی که نظرات وی بگذر از حرکت سازمان ج. ف. خ. راهادایت میکرد، در رساله ای تحت عنوان "تحلیل موقعیت نیروهای

باید خود را متضاد پیرگانه دارد. رساله فقط اوست که تا لحظه آخر دشمن ثابت قدم و مسلم حکومت مطلقه خواهد بود، فقط بیس او و حکومت مطلقه است که صلح و مصالحه امکان پذیر نیست.

تفاوت دودیدگانه را بسینید! یکی می - گوید که در مبارزه بر ضد حکومت مطلقه پرولتاریا باید خود را متضاد پیرگانه دارد چه فقط او دشمن است و آنرا ستوارا بین حکومت است و دیگری می - خواهد از طریق مبارزه (نا بیگرو متزلزل) خرده سوزووازی، پرولتاریا را به میدان مبارزه

بدلیل عدم مرز بندی جدی از مواضع پرولتری با خط مشی و تفکر خرده - بورژوائی چریکی و بویژه هسته لیبرالی موجود در تفکر و روشی رفیق جزئی، علیرغم تغییراتی در نظرات و عملکردها نسبت به گذشته ما شاهد تظا هرنا پایداری ایدئولوژیک خرده بورژوائی در س. ج. ف. خ. هستیم.

نکشاند. لنین می گوید: "مطلوب سمودن مفهوم مبارزه خرده سوزووازی که هدف آن اعلامتکامل دموکراتیک است ما مبارزه پرولتاریا که هدف آن انقلاب سوسیالیستی است، سوسالیستها را به ورغبتگی سیاسی تهدید می نماید." (دو تاکتیک ...)

رفیق جزئی در رساله "چگونه مبارزه مسلحانه نموده می شود" می گوید: "... روش - نگران نسبت آگاهی خود آگاهی بیشتری داشته و چون جنبش از آن برای آغاز حرکت کمک منگیرد، بهمین دلیل در مرحله فعلی سروری آماده و بالفعل جنبش مسلحانه را بطور عمدتاً روشنفکران انقلابی (روشنفکران با کدام موضع طبقاتی؟) که اساساً متضاد طبقاتی آن تشریح یا تبیین میانی خرده سوزووازی است تشکیل می دهد.

مشی مبارزه مسلحانه جدا از توده که قریباً ۸ سال بر سازمان ج. ف. خ. حاکم بود، منطبق با همین سبب غیر پرولتری "تکلیف دادن" پرولتاریا بوسیله نیروهای "بالفعل" جنبش بوده است.

بر طبق دیدگاه حاکم برس. ج. ف. خ. طی سالهای گذشته عمل مشترک با خرده بورژوازی بمعنی سکوت کامل در مقابل ماهیت طبقاتی آن می باشد و مبارزه طبقاتی باید منتتی بر "عرف" و "فوابیط منطقی" باشد: "عساکری که مضمون حرکتشان سک اندازی و توطئه چینی در راه تشکیل نیروهای وابسته به خرده سوزووازی را دیکال بوده است، حبال کرده اند که با زیرپاشیدن "عرف" موجود (منظور نویسنده) چیزی جز شوه های متقابل سیاسی ایدئولوژیک نیست) و روابط منطقی (چه مبارزه طبقاتی با نزاکتی!!) در روابط سیاسی حاکمهای مختلف جنبش خلق می توان سهم پرولتاریا را در جنبش خلق انرا پش داد." (رساله "وظایف اساسی

انقلابی ایران" از انتشارات س. ج. ف. خ. در مورد خرده سوزووازی می گوید: "هسته های این دلیل که این سر و هاجنی اریروی قطعید می باشد آنرا راه شکل و مبارزه در مصوف جنبشها را تحت در جراح سخت رهبری طبقه کارگر ترا خواهد. بلکه ما این دلیل که ایسن سر و هاجن مرور آمده ترید و ما توجله مبارزه آنهاست که ما بدونهای رحمتکن را بسبب کرد." (با کبدراماست.) لنین در کتاب "وظایف سوسال دموکراتیک روس می نویسد: "پرولتاریا در مبارزه اقتصادی (مبارزه سر علیه سرمایه داران) کاملاً تنها بوده و در آن واحد هم با اشراف مالک هم با سوزووازی روبروست و معط ار کمک آن عاصری از خرده سوزووازی برخوردار است (و آنهم نه همیشه بلکه سدرت) که سمت پرولتاریا گرایش دارد. و حال آنکه در مبارزه دموی کراتیک یعنی در مبارزه سیاسی، طبقه کارگر روس تنها نیست. جمیع عناصر مخالف سیاسی، قشرهای اهالی و طبقات در ردیف وی قرار می گیرند... طبیعتاً این سوال پیش می آید که طبقه کارگر چه روشی را باید سست به این عناصر اتخاذ نماید؟ و سپس آنها را سیدسرای تک مبارزه عمومی بر ضد حکومت مطلقه، به آنها سپردند؟"

لنین به سوال دوم چنین پاسخ می دهد: "سوسال دموکراتیکها همین است که همسنگی دشمنان گوناگون مخالف حکومت مطلقه با کارگران اشاره می نماید، همواره کارگران را متضاد نخواهد نمود، همواره همه موقتی و مشروط این همسنگی را توضیح خواهد داد، همواره محرا بسودن طبقاتی پرولتاریا را که بردا ممکن است در جنبه مخالف متعین امروزی خود قرار گیرد، خاطر نشان خواهد کرد."

و بحث را چنین ادامه می دهد: "در مبارزه بر ضد حکومت مطلقه طبقه کارگر

مارکسیست - لنینیستها... "از زمان ج. ف. س. (۰) .

رساله "وظایف اساسی مارکسیست - لنینیستها... درجای دیگری میگوید: "باید سرودت مافع همه طبقات خلق که درناسودی سلطه امپریالیسم و پیرووری انقلاب دموکراتیک (پارهری کد ام طبقه وار چه نوع؟) سهفته است، راههای همکاری و اتحاد همه طبقات خلق راهموار هموار مرکز کرد." (وظایف اساسی... قسمت دوم)

ویا درجای دیگر در تمجد از خرده بورژوازی می گوید: "خرده بورژوازی محور سوسی نلی می کند که در مبارزه با امپریالیسم ازناطعیت و پیگیری سرچوردراست." (همانجا).

ویا ز در همانجا "... بدین سبب برخلاف دوام کلاسیک (!!) اس جنس با بدموردنوجه خاص کمونیستها فرار کرد."

چنین است که نداشتن پرنسب پرولتری منی چریکهای فدایی خلق را به انواع کرابش های اپورتونیستی (اگرچه حسن نیت در آن نیست) یافته می سازد.

سه گننه ای از الما تفسکی یکی از نظریه پردازان تزارچای راه رشد غیر سرمایه داری نگاهای بیفکنیم و آن را با مجموع نقل قولهایی که از تئوریسینهای منی چریکی نقل کردیم مقایسه کنیم:

"شرکت قشرهای معنی از سورژوازی ملی در قدرت سیاسی دارای علل مختلفی است. شرکت این قشرها فقط از آن جهت نیست که این قشرها در اختلاف با نیروهای دموکرات و ضد امپریالیستی شرکت دارند و در مرحله معین تاریخی به پیشروی در راه ترقی اجتماعی ذغلافه اند. این قشرها از نظر سیاسی، اید - شولوزیک، سازمانی و اقتصادی از قشرهای دیگر برای زندگی سیاسی فعال و شرکت در حاکمیت سیاسی آماده ترند" (راه رشد غیر سرمایه داری، دو مقاله از الیا تفسکی)

و جای تعجب است که حتی الیا تفسکی (تئوریسن اردوی سوسیال امپریالیسم) در چند سطر بعد ناچار بداری و تضاد را خطیست نما بینندگان روشنتر کرده بورژوازی را دیکال میداند ولی چریکهای فدایی خلق از قاطعیت و پیگیری خرده بورژوازی وطنی سخن میگویند! در اینجا چریکهای فدایی تفاهم طبقاتی را جایگزین مبارزه طبقاتی کرده و بجای افشای ناپیگیری و تنزل خرده بورژوازی آن را نیرویی قلمداد میکنند که از قاطعیت و پیگیری برخوردار است. اگر رهبری انقلاب دموکراتیک خرده بورژوازی را دیکال باشد، اشکالی ندارد فقط: "اگر گروههای مرفه خرده بورژوازی که دارای دیدگاههای محافظه کارانه و ضد کارگری هستند، رهبری مبارزات را دست گیرند می توانسد (نازه در این هم جای شک هست!!) وحدت نیروهای خلق را دچار اشکال (فقط اشکال) سازند. تا کبد از مات، وظایف اساسی...)

از رهبری پرولتاریا سخنی هم در میان نیست، افشای تنزل خرده بورژوازی "عسرف

موجود و ضوابط منطقی در جناحهای مختلف خلق را زیر بار نخواهد گذاشت، از نظر چریکهای فدایی اتحاد با نیروهای خرده بورژوازی همیشه به مفهوم سکوت کامل در قبال تنزل و ناپیگیری خرده بورژوازی و دادن امتیاز با ایدئولوژیک بوده است. سکوت کامل چریکهای فدایی در مقابل سازشکاری مجاهدین خلق و سایر نیروهای چپ خرده بورژوازی در مرحله کنونی نیز نشانه ندهنده همین انحراف اصولی آنان از موضع مارکسیستی - لنینیستی است.

۴) س. ج. ف. س. و روویزیونیستها در باره "نویه" برخوردار س. ج. ف. س. جریانات روویزیونیستی نایدگفت چگونه می توان انتظار رمزبندی قاطعانه با روویزیونیسم از کسانی را داشت که خود دستخوش

شوری را تا حدداشتن یک سیاست لیبرالیستی کاوش میدهد. این نمونه نشان میدهد که س. ج. ف. خ. در باره حزب توده هیچگاه از موفقی اصولی و رمزبندی قاطعانه با روویزیونیسم خود مستلزم شناخت سوسیال امپریالیسم شوری میباشد و صورت نگرفته و به مثبتهی شاعر خلاصه میباشد است. نداشتن دیدگاه، برنا هموسیاست پرولتری در مواردی نیز س. ج. ف. خ. را بطرح شعارهای لیبرالی که بدون شایهت به بعضی مواضع حزب توده نبوده است، کثا نده است. شعار "مرگ بر شاه دیکتاتور و حاکمان امپریالیستی" که در واقع مضمون اصلی انقلاب دموی کراتیک و فدا امپریالیستی را مخدوش نموده و دیکتاتوری شاه را از پایگاه طبقاتی یعنی سورژوازی وابسته با امپریالیسم جدا سازد و

● **بهنگام اوج گیری جنبش توده ای ۵۷ - ۵۶ این سازمان نه تنها برنا مه پرولتری ارائه نداد، بلکه با حمله به شعار "برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق" و جایگزین کردن آن با شعار خرده بورژوازی "برقرار باد حاکمیت خلق" به دنباله روی از خرده بورژوازی افتاد.**

عملا همان شعار "حمیه" و احضار دیکتاتوری " حزب توده را تبلیغ میکند. بیژن جزینی در رساله "برنا دیکتاتوری جنس می گوید: "سطر با جنبش حارمرکه مرحله ای است از جنبش رهائیش خلق، شاعر را سراسر از یک مبارزه بایدیکنا سوری شاه منحس می شود. همان رساله درجای دیگری گوید: "در حال حاضر طرح کردن شعارهای انقلاب دموکراتیک توده ای نمیتواند خلق را بر رهبری طبع کارگر متحد سازد." یا رساله "وظایف اساسی می گوید: "طرح ایمن شعارها صورت تسلیمی در مرحله کنونی تنها به تشدید تضاد میان جنبشهای غیر پرولتری با جنبش کارگری منجر خواهد شد."

۵) سیاست س. ج. ف. خ. هنگام برآمد جنبش توده ای

سیاست دنباله روانه س. ج. ف. خ. تنها به دوران رکود جنبش توده ای که وظیفه مبارز - کسب لنینیستها در وهله اول بنادر کردن توده ها بوده است مربوط نمی شود، بلکه به هنگام اوج گیری جنبش توده ای ۵۷ - ۵۶ هنگام میکه بورژوازی لیبرال آنکارا در مسیر سازش با امپریالیسم و اقتصاد سلطنتی کام برمی داشت س. ج. ف. خ. نه تنها فعالانه در افشای خیانت پیشگی بورژوازی لیبرال کام برمی داشت بلکه خود را عدم ارائه برنا مه پرولتری در انقلاب دموکراتیک به دنباله روی از بورژوازی برداخت. این سازمان نه تنها برنا مه پرولتری ارائه نداد بلکه با حمله به شعار "برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق" و جایگزین حاکمیت خلق" و با موضع گیری در برابر برنیروهای که شعار "جمهوری دموکراتیک خلق" را مطرح می ساختند، دنباله روی طبقاتی خود را به کمال رساند. رساله "وظایف اساسی... می گوید: "نتیجه قطعی و طبیعی طرح و تبلیغ

انحرافات اصولی از مارکسیسم - لنینیسم بوده و دچار گرایشات اپورتونیستی و جدید نظر - طلبانه هستند. صرف نظر کردن از ابده رهبری پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک، مقید دانستن مبارزه طبقاتی به "عرف" و "ضوابط منطقی" و صرف نظر کردن از شما رسایست مستقل پرولتری در انقلاب دموکراتیک راه را برای بورژوازی انواع گرایشات روویزیونیستی و سازش با آنها بازمی گذارد. مواضع س. ج. ف. خ. در مورد سوسیال امپریالیسم شوری و حزب توده نشاندهنده تنزل و ناپایداری ایدئولوژیک خرده بورژوازی و سازش با روویزیونیسم می باشد. س. ج. ف. خ. از طرفی رهبری حزب و دولت شوری را روویزیونیستی می داند و از طرف دیگر شوری را یک کشور سوسیالیستی قلمداد می کند. اگر روویزیونیسم ایدئولوژی بورژوازی است و اگر روویزیونیسم بیش از توده است که در حزب و دولت شوری تسلط یافته و در سیاست داخلی و خارجی نقش تعیین کننده پیدا نموده، چگونه میتوان آن را یک کشور سوسیالیستی بحساب آورد. روشن است که وقتی شوری را یک کشور سوسیالیستی بحساب آوریم، نمی توانیم در مورد حزاب و جریانات وابسته به آن نیز دیدگاه داشته باشیم. روزنامه کار ۲۲ ارگان س. ج. ف. خ. در باره حزب توده می گوید: "نوسانات موجود در حرکت حزب توده ناشی از مرمت طلسی سیاست بارانه توده ایها می است که با رانه سرخ روز می خوردند و امسار با "تحریکی" و "بخنگی" می گذارند. از این نظر حزب توده ایران، حزبی که اسنحوابندی آنرا انحنم مقابل کاران حسره تشکیل میدهد دارای هویت ناست و جاقا فاده ای است. لذا در هر مورد خاص در آسده در از بدت از قبل می توان دربار - فت که میبا و مجز حرکت توده ایها همان سیاست لیبرالی است." س. ج. ف. خ. اینچنین خیانتت پیشگی حزب توده و خالگری آنرا در جنبش کارگری و ناپیستی آن به سوسیال امپریالیسم

این شعارهای پیش‌بین درج‌شده‌ای نظیر
به میزان آما دگی و توان و سازمان یافتگی
بیروهای ذخیره آن، حداکثر سفردن و جدا
افتادن طراحان این شعارها از بیرویه رشد
جیش خلق و حداقل هرزرفین بیروها با تکرار
توخالی این شعارهاست. (نقل از وظایف
اساسی ...) رساله پس با آوردن نقل قولی
از لنین که می‌گوید:

"فقط اشخاصی که کاملاً جاهل ممکن است چسبه
سورژواری نحول دموکراتیک را که در حال
عملی شدن است از نظر دوردارد، فقط
حوشیایان که کاملاً ساده لوح ممکن است این
موسوع را ماموش کنند که درجه اطلاع
سوده کارگران و دهکدهای سوسیالیسم و
شوه‌های اجزای آن هنوز با چه اندازه کم
است ... " این ایده را تلقین میکنند
که شعار جمهوری دموکراتیک مربوط به مرحله
انقلاب سوسیالیستی و مرحله‌ای است که "درجه
اطلاع سوده" کارگران و دهکدهای سوسیالیسم "بالا
باشد. اس تحریف مفروضات و آشکارگی است.
لنین در همان کتاب "دوتا کتیک ... " برای
انقلاب دموکراتیک روسیه شعار "دیکتاتور
دموکراتیک کارگران و دهقانان" را می‌دهد و
مطالب سالارادری با چ آن کسانی می‌گوید
که معتقدند این شعار به مرحله انقلاب دموکراتیک
ربط ندارد و لنین را به عدم درک "جنبه
بیورژواری نحول دموکراتیک" متهم میکنند.

همین برخورد س.ج.ف.خ. با انقلاب
دموکراتیک نشان می‌دهد که "میزان با لنین
آما دگی و تشکل طبقه کارگر" نه‌اندای بسش
سیست و اصول س.ج.ف.خ. در عمل اعتقاد به
رهبری پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک ندارد.
کمونیست‌ها با صرف نظر کردن از اصول و با سازش
ضیافتی سعی توانند آگاهی و تشکل پرولتاریا
را بالا ببرند، بلکه فقط با طرح شعارهای اصولی
خود و ترویج آن در میان پرولتاریا است که
می‌توانند این کار را بکنند. لنین می‌گوید:
"حال که مردم از دولت جدا شده اند و نوده به
لزوم استقرار نظم جدید بی سرده است حزی
گه‌دهد و منظور خود را سرگون ساختن
حکومت مرا داده است ما گزیر باید در فکر
این باشد که چگونه حکومتی را جایگزینی
حکومت قدیمی که باید سرگون شود بنا
سند. (دوتا کتیک ...)

"نیروی که قادر است به پیروزی قطعی بر
تزارسیم نابیل گردد فقط ممکن است مردم
یعنی پرولتاریا و دهقانان باشند. در
صورتیکه نیروهای اساسی و بزرگ در نظر
گرفته شود و خود بیورژواری ده و شهر (که
ایما ر "مردم هستند) بین اسن و آن
تقسیم گردد پیروزی قطعی انقلاب بر
تزارسیم عبارتست از استقرار دیکتاتور
انقلابی دموکراتیک کارگران و دهقانان"
(لنین ، همانجا ، تاکید از ماست) .

کسی با شین نمی‌گوید:
"حال اشغال اسن پیروزی تا چه درجه‌ای
است مسئله‌ای است جداگانه. در این مورد
ما بهیچوجه طرفدار خوشبینی غیرمطلقانی

نیستیم ، ما بهیچوجه دشواری عظیم این
وظیفه را فراموش نمی‌کنیم . ولی وقتی
به مبارزه اقدام می‌نمائیم ، باید خواهان
پیروزی باشیم و بتوانیم راه واقعی
و نحول به آن را نشان دهیم . (لنین ،
همانجا ، تاکید از ماست) .
" اگر این بیروها کفایت نکرد در این صورت
تزارسیم موفق به بندوبست خواهد شد ...
در چنین صورتی کار به مشروطه ، فاس و سر
و دم بریده و ما حتی - در بدترین حالات -
به سفره مشروطه حسم خواهیم شد . (لنین ،
همانجا) .

خواهد شد ، بلکه لبرالیسم موجود در تفکر و
سیاست سازمان همچنان ادا نخواهد یافت .
رساله "پاسخ به مناجیه رفیق اشرف -
دهقانی" از آخرین انتشارات س.ج.ف.خ. .
نشان داد که چریکهای فدایی خلق نداشتند
درصد نفی کامل دیدگاه و سیاست غیر پرولتاری
گذشته خود نیستند بلکه می‌خواهند با آرایش
و توجیه آن، جوهر اندیشه‌های غیر پرولتاری
گذشته را حفظ کنند. اس رساله سعی دارد در
ضمن پاسخگویی به نظرات "رفیق اشرف دهقانی"
تا آنجا که امکان دارد حجم بیشتری از گذشته
را نجات دهد. رساله، نظریات رفیق احمد زاده

● موضع پراگماتیستی س.ج.ف.خ. ، در مورد "دولت موقت" مبنی بر
تا شیدکارهای درست و انتقاد از کارهای غلط!! ادا به سیاست دنیالیه
روی و برخورد لیبرالی با مبارزه طبقاتی بوده است .
● رفقای فدائی در برخورد به نظرات رفیق اشرف دهقانی سعی دارند ،
حجم بیشتری از گذشته را نجات دهند و نظرات رفیق احمد زاده را مربوط
به "یک دوره" و نظرات کنونی سازمان را هم مربوط به "دوره نوین"
ارزیابی نمایند .

لنین وظایف سوسیال دموکرات‌ها را در
موقعیت انقلابی، هسکا می‌کند همه طبقات از
انقلاب محبت می‌کنند چنین توصیف میکنند:
"آقایان آما با زنده انقلاب را رسمیت
می‌شاسند تا لنین و سبیل ما خطر کمتری از
این انقلاب بسمع خود استفاده نمایند و
به آن خیانت ورزند. وظیفه ما اکنون این
است که به پرولتاریا و به تمام مردم نشان
دهیم که شعار "انقلاب" کانی نیست و باید
مضمون واقعی انقلاب بطور روشن ، صریح ،
بندگرو قطعی تعریف شود و ما این تعریف
شامل یگانگی شعار است که می‌تواند
پیروزی قطعی انقلاب را بطرز صحیح بیان
کند و آن شعار دیکتاتور انقلابی دموکراتیک
پرولتاریا و دهقانان است. (لنین ،
همانجا) .

☆ ☆ ☆
موضع پراگماتیستی س.ج.ف.خ. در مورد
"دولت موقت" مبنی بر تا شیدکارهای درست و
انتقاد از کارهای غلط آن!! ادا به همین
سیاست دنیالیه روی و برخورد لیبرالی با مبارزه
طبقاتی بوده است . ممکن است به ما انتقاد
شود که در آینده ثولوزی و سیاست عملی س.ج.ف.خ.
تحولاتی انجام گرفته و مضمون گذشته از طرف
سازمان "عملاً" به کناری نهاده شده و در نوشته
های متعدد سازمان بطور صریح و غیر صریح
مورد نقد قرار گرفته است . و اصولاً ما دام که
س.ج.ف.خ. طی یک مبارزه ایدئولوژیسیک از
موضع پرولتاری بطور اصولی بر مومغ گذشته
مود نسبت به مبارزه طبقاتی، موضعیت طبقات
در انقلاب دموکراتیک ، مضمون انقلاب دموکراتیک
سنگ و ... خط بطلان نکشید و اعلام نظرات
جدید را بصراحت همراه ساردونگی مارکسیستی
- لنینیستی نظرات گذشته و مرز بندی قاطع و
روشن نسبت به گذشته انجام ندهد باید ، نه
تنها این مواضع ، مواضع رسمی سازمان تلقی

را متعلق به یک "دوره" و نظریات کنونی
سازمان را متعلق به "دوره" نوین" جنبش
کمونیستی می‌داند (ولاحرم در شرایط دیگر حتماً
اصول دیگری لازم خواهد آمد) . رساله با این
"دوره بندی" اصول مارکسیسم-لنینیسم را تا
حد انطباق آن با دوره‌ها با این می‌آورد: "اما
آنچه را که در اینجا باید مورد توجه قرار دهیم و
از پیش‌روش سازمان اینست که بیینیم رفیق
مسعود احمدزاده جزوه خود را در چه شرایط
مشخص نوشته و رفیق اشرف در چه دورانی دارد
سخن می‌گوید" (ص ۳. تاکید از ماست)

رساله در باب اینکه چه کسی وارث حقیقی
رزم رفیق مسعود است ، می‌نویسد: "امروز رفیق
اشرف دهقانی و رفقای مدعی آن هستند که
وارث حقیقی رزم رفیق مسعود و دیگر رفقای آن
دوره هستند. ما در پاسخ می‌گوییم وارث حقیقی
دیالکتیک هگل در نیمه دوم قرن نوزدهم دیگر
طرفداران هگل در همان زمان نبودند. اما ما
اصیل بودن راه در درج‌آدن و عقیم ماندن
که رشد کردن و برخورد دیالکتیکی کردن با
سیستم اندیشگی خود در گذشته می‌دانیم. آیا
این خود رفیق مسعود نیست که در سراسر اثرش
با دکماتیسیم می‌جنگد و به نقل از سره از ما
می‌خواهد که "تابع سختگیرهای دیالکتیکی
زمینی باشیم؟" (همانجا ص ۵)

س.ج.ف.خ. خود را وارث حقیقی رزم
رفیق احمدزاده می‌داند و مهم‌تر از همه نظریات
غیر مارکسیستی - لنینیستی رفیق احمدزاده و
نفی اصول عام مارکسیستی توسط وی را جنگ
با دکماتیسیم قلمداد می‌کند و "تابع سختگیری
های دیالکتیکی زمینی بودن" در رابطه با
اصول عام مارکسیستی را که رفیق احمدزاده
در دفاع از نظریات دبره بیان کرده ، بمعنی
برخورد دیالکتیکی جا می‌زند. حال به استراتژی
بقیه در صفحه ۱۳

“ولایت فقیه” گشادترین کلاهی که بسرمردم ایران می‌رود! (۵)

اسیران داده گرفته و هج (سراسی هج) فرضی برای سراسی عثمان کردن آن حران اسرافتی طرد شده ، از دست داده ، سر حلاص ادعای خود ، (مجاهد شماره ۹) گناه کبیره باد دادن را سود همسختی جوسختی قرار داده اند . با با اس دساور بر صفتیهای خود برده سناکسد .

اما نسیم چگونه مجاهدی در شمال موضوع سسار مهم “ولایت فقیه” رضی میهم و دوسپلو - آتیم سده ار سسار کسماه -

نگاهی به موضع گیری سازمان مجاهدین خلق ایران در مورد اصل ولایت فقیه

عنوان یک سازمان زنده و فعال سیاسی استقدر در بیان موضع خود برای مردم تاخر کرده اند . آنها که “سکوت مقامات مجلس جرگان” در مورد سر و ستم خرنکار “مجاهد” را سدرستی بمعنی ناسد اقدام پاسداران مجلس تلقی میکنند (مجاهد شماره ۷) اما انتظار دارند مردم سکوت آنها در

در مسنهای پیشی اس بحث ، به شرح مصیوم ولایت فقیه ، آثار و عواقب آن و موضع گیری سروهی ساسی در قبال آن بردا حتم . در رابطه با این سروهها موضع لیسرال ها و حزب توده را در شماره ۲۷ “پیکار” مورد بحث قرار دادیم و اینسک موضع سروهی دموکرات مذهبی را بررسی می کنیم ! در رابطه با دموکراتهای مذهبی مناسب ترین نمونه موضع سازمان مجاهدین خلق ایران می باشد .

سازمان مجاهدین خلق ایران سازمانی است دموکرات با سواسی انقلابی که موضع گیری های آن مستواسد بحث مابیل سوجهی از افشاری که این سازمان نپاسدگی سیاسی - استولوزیک آتاترا به عهده دارد تحت تاثیر قرار داده ، رهنمون باشد . سنا بر -

اسی موضع گیری این سازمان در قبال اصل “ولایت فقیه” - اصلی که در کل قانون اساسی مجلس “خرگان” جسده محوری و کلیدی دارد و بر تمامی اصول آن سایه افکنده است - از اهمیت نسیم کسیده ای در رابطه با کل مواضع اسی سازمان و میران دموکراتیم آن - سرخسوردار است و سسهمی اندازه نیز میتوان سدر کسرتش

با محدود کردن آگاهیه های عمومی موثر باشد اکنون سسینیم سازمان مجاهدی خلق در سارده اصل ولایت فقیه چه موضعی داشته است . اصل ولایت فقیه ، با اینکه از نظر

نشر ممتاز روحانیت هدف نهایی حکومت بود اما نه در پیش نویسی اول قانون اساسی ونه در دومی طرح شده بود نه این دلیل که در تدوین پیش نویسی قانون اساسی روحانیت نقش کمتری داشت و همس طور در آن زمان یعنی ماه های اول بعد از سقوط شاه - جو انقلابی و انتظار را تمام مردم از حکومت برای طرح چنین مسئله ای مناسب نبود ولدا

آنها به سید ، وقتی که با اصلاح خرنشان از بل گذشت و استجابات با اصلاح آزاد مجلس “خرگان” هم سیری شد ، موکول کردند . سهر حال همرا با بحثهای داغ موافق و مخالف (قلا کاری به سبگاه اسی مخالفت - ها سدارم) در سطح جامعه - کدکمونستنها

در سسایشی محالین حسن اصل سده دموکراتیک و ارتجاعی بوده وهستند ، سرائحام پس از بحثهای سدارت آمیزی که در مجلس خرنگان صورت گرفته اس اصل در ۲۲ شهریور سسماه ستموسب کردند . اما مجاهدین خلق ایران در ۳۰ مهر (مجاهد شماره ۷) سسعی سناور از یک ماه پس از آن ، موضع مبهم و دوسپلوی خود ، راجح به ولایت فقیه را اعلام کردند (به کدکمونست اسن مرجع در سطور آسید) خواهیم رسد) سی آسکه سسوست حرا سسه

● موضعی مبهم و دوسپلو ، آتیم پس از گذشت مدتی بیش از یک ماه .

● مجاهدین از یک طرف با تعریفی که از فقیه می کنند کسی را نمی توان فقیه نامید و از جانب دیگر به “روحانیت مبارز” متوسل شده می پرسند : “ شما چگونه می توانید تضمین کنید که از اینگونه ولایت فقیه ، استبداد و انحصار طلبی بیرون نیاید؟!

مگر سنده ، موضعی که آنها را جز ، کسانسی قرار سدهد که بقول خودشان می توان آن - ها را “محالین سرمکین” ولایت فقیه سنا سید در مجاهد شماره ۷ آسما که خواسته اسند موضع خود راجح به ولایت فقیه را روشن کند پس از یک سنا سنی را چه کلمه “فقیه” مینوسند : “اگر کسی واقفاً در اسلام فقیه

سناشد جوهر اصول و احکام اسی استولوی - زی را عمقاً درک نکرده و نه هدف احکام واقف سناشد ، حتی همس امروز نیز از بر دگی و مالکیت خصوصی ابزار جمعی تولید دفاع خواهد کرد .” با اس حساب و با اس “تفقهی” که مجاهدین از اسلام برای خود فائلند آسما

آیت اله خمینی را “فقیه” میدانند؟ مسلماً نه زیرا ایشان هرگز نه تنها احکام مترتب به بر دگی و مالکیت خصوصی را زیر سنا سوال قرار نداده اس بلکه در مسئله ۱۷۱۰ اسساله توضیح المسائل ص ۳۴۴ بر اساس قبول نهاد

سردگی ، فتاوی را (مبنی سرازاد کردن بنده) سدهند (همانطور که در کلیه حوزه های علوم دینی یکی از بحثهای فقهی که سدریس میشود بحث سروسط به “سنا آسما” یعنی ازدواج سنا کنیز اسناکه با ازدواج با فرد آزاد یعنی غیر برده فرق دارد) در

مورد نظر آیت اله خمینی راجح به مالکیت خصوصی هم مراجعه کنید به سخنان ایشان خطاب به صاحب (پیکار شماره ۱۳) آنجا که سناکسید میکنند اینجا سملکت اسلامی است به کمونیستی و سناها اس مسئله را به سرامبه داران سناکسید میکنند که “قدری” رعایت حال کارگران را سسما سید سسما سنا دا

انتقار پیش سساید که در آن صورت از دست روحانیت هم سناکسید کاری ساخته نیست!

کفتم سنا نه تعریفی که مجاهدین برای فقیه در آورده اسند آیت اله خمینی

مورد مسائل سسار سناستی روزوا “اعتراض به حقتان تصور کنند! (مجاهد ۶) در صورتیکه اسی ، “سنا اعتراض به حقتان” بلکه تسلیم در برابر حقتان بوده اس . مجاهدین سسوان یک سازمان انقلابی دموکرات هسج سنا نه ای برای چنین سکوتی در سراسر مسائل سسای نظیر سسستان (۱) ، ولایت فقیه ، ... نداشتند .

سناظر ما عدم موضع گیری سسرج و قاطع و عدم دفاع انقلابی از حق حاکمیت خلق حتی آنطور که از یک دموکرات انتظار میرود در برابر اصل ولایت فقیه که تمام دست - آورده های دموکراتیک انقلاب ما را زیر پا

سناگذارد ، چیزی جز سسریا زدن از انجام وظایف دموکراتیک این سازمان نیست ، اسن موضع سسفعال در واقع کمکی اس در جهت دامن زدن به توهمات توده ها ، موضعی که نه استثنائی و منحصر بفرد ، بلکه یکی از سسمله مواضعی اس که این سازمان در

دوره احمر در رابطه با قدرت حاکم داشته اس و ما س سرخی از آنها (کردستان) قبلا تا حدی اشاره کرده و به موارد دیگر نیز در حای خود سرخورد خواهیم کرد . همین - جا مناسب میدانیم به اسن نکته اشاره کنیم که مجاهدین در برابر حملات وحشانه

وردیلانه سسروهی دست راستی سناجی سسکسه اصولی سس مواضع انقلابی و دموکراتیک ریشه دار سازمان مجاهدین و گرایش های مشخفاً سسرم خواهان آن از مواضع سسبود عقده سسینیتی کرده تمام گناه ها و ضعف های خود را بر سر “انحرافات ابورشو -

سنسینی سس” خود سسکنند . حرایاسی کسه سسیداً وعمقاً از سوی مبارزینی که سسره سسنا اسن انحرافات سسار زده اسند همرا اس سسنا اسند - سسولوزیک و طبعا سسای آن مورد بررسی و سسنا سسنا سسنا قرار سسرفند و طرد سسده اس . سسنا سسنا

چاپ دوم کارگربه پیش! شماره ۷ منتشر شد

چاپ دوم "کارگربه پیش!" شماره ۷ نشریه کارگری سازمان منتشر شد. این شماره نشریه اوایل مرداد ۵۸ آماده چاپ گردید ولی بدلیل شهاجم ارتشاعی هیئت حاکمه سه مطبوعات مترقی و انقلابی و چاپخانه های این نوع مطبوعات و محلات، چاپ آن بهتمویبق افتاد. سپس زمانی که درتاریخ ۱۵ مهرماه این نشریه در یکی از چاپخانه های تهران سه چاپ می رسید، افراد مسلح کمیته، او را کی گونسه به چاپخانه مربوطه حمله کرده و تمامی نسخ نشریه را به غارت بردند. و این در حالی بود که کارگربه پیش شماره ۷ حتی رسماً در لیست نشریات توقیفی نبود! اما از آنجا که ارتجاع از آگاه های توده ها و بخصوص زحمتکشان می ترسد، مجبور است حتی "قانون" های مورد قبول خود را زیر پا گذارد.

- ما اینک چاپ دوم این نشریه را به اتمام رسانده و آنرا منتشر ساخته ایم.
- مطالب کارگربه پیش شماره ۷ به شرح زیر است:
- کارگران پیکار چگونه باید مشکل شوند؟
- کمیته مرکزی حزب توده ایران برای رسیدن به قدرت، چه ها که نمیکنند.
- حداقل دستمزد تعیین شده چه دردی از کارگران دوا می کند؟
- تورم و تاثیر آن بر زندگی کارگران
- علت اینهمه ظلم و ستمی که به زنان وارد می آید چیست؟
- و.....

تحصن نظا میان در شیراز

روز ۵۸/۷/۲۳ پس از اجرای مراسم صبحگاه کلیه پرسنل مرکز زرهی (افسران، درجه داران، سربازان، کارمندان) نطق اعتراضی به وضعیت موجود دست به تحصن زدند که تا ساعت ۱۴ همان روز تحصن ادامه داشت. در این مدت تعدادی از پرسنل مرکز زرهی سخنرانی ها می ایراد کردند که شامل موضوعاتی از قبیل تشکیل شوراها، جلوگیری از دیکتا توری در ارتش، عدم شرکت ارتش در سرکوشی خلقهای ایران، مردمی کردن ارتش و جلوگیری از تعصبات موجود در ارتش بود. ضمناً پرسنل پابگاه هواشی شیراز و مرکز پیاده به پشتیبانی از همقطاران خسود در پادگانهای مربوطه دست به تحصن زدند.

ارتجاعی راست و فدرال رهری به سمت دور شدن از دموکراسی سوق مسدود و با هرگز فراموش نخواهم کرد که این امر در مورد سربوهای سیاسی در غایت قدرت پروتارنا و حزب انقلابی رضوی گمیده آن سمار طبیعی است. در صورتیکه، هستند سربوهای در مرحله انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی سحر رهبری پرولتاریا همبیمان طبقه کارگر می باشند.

ادامه دارد

شیوه برخورد پرولتری یا خرده بورژواشی...؟

بقیه از صفحه ۱۱

و تاکتیک مراجعه کرده و بیستیم رفیق احمد زاده درجه رابطی این عاراب را یکبار گرفته. همانطور که گفتم بحث تا نرسد به یک رشته بینداز و رسماً (بخوان مارکسیسم-لنینیسم) ما از درک عمیق معاهم اساسی که دسره در "انقلاب در انقلاب" ... عرضه کرده بود، ما فل ماسدم ... ردمایه سوسی بریک رشته ملاحظاتی عینی خاص، بلکه سائیکه راصول کل عی با رگسیسم-لنینیسم صوب می گرت. (تا کید ارماست.) رفیق احمد زاده کمی با ستنتر از قول دسره نقل می کند: "صح نوع معادلله" مناسرتکی که در آن حرث مارکسیسم-لنینیسم = پیچاهنگ باشد وجود دارد. احزاب در ایسجاد در روی رسمی وجود دارد و سابع سحت گسربهای زمینی اند."

س.ج.ف.خ. بجای تخی کامل نظرات رفیق احمد زاده از اسن دیدگاه که این نظرات غیر پرولتری و خرده بورژواشی است، با وانمود کردن آن بعنوان یک مرحله "تجربه" در جنبش کمونیستی، جها شمولی اصولی عام مارکسیسم-لنینیسم و تجربه جنبش بین المللی کمونیستی را تخی کرده و مارکسیسم-لنینیسم را تا حد آمبرسم شزل می دهد. نقل قول زیر بخوبی این امر را نشان می دهد:

"در شرایطی که هیچ ارگانی و تکیه گاهی هیچ یونه و تجربه ای از گذشته برجای نمانده بود، تلاش سوسی برای ساختن سب معضلات جنش سحو حدی آغاز می شود و رفیق احمد زاده در اس تلاش های ویژه ای را سحو ا حتما داده است. او یکی از حلاقتترین، سخت گونترین و موثرترین رفقای آن دوره بوده است."

همه اینها نشان می دهد که س.ج.ف.خ. هسته اصلی اپورتونیستی نظریات رفیق احمد زاده را که تبعیت از "سخت گسربهای دیا لکتیکی زمینی" (نه آسانی!) است حفظ کرده است. پیچوده سبست که اسن "تبعیت" دیره رایبه پای سوسی اپورتونیستیهای فرانسوی می گشاند و بخش منسعب س.ج.ف.خ. رایبه آغوش دارو-دسته "کمیته" مرکزی می افکند. نمونه کامل این بی برنسیبی و دسد غیر پرولتری رادر بیانیه س.ج.ف.خ. در مورد کردستان بیرونی میتوان مشاهده کرد.

ادامه دارد

سخنانشان دارند باز گویند، آری در سبک کلمه، نقطه مدخلشان نیست. جنبش موصی را به سوجه نمیتوان منطق سسر دموکراتیسم رسته دار سازمان مجاهدین که سوده ها با آن آشنایی دارند دانست. همنس این موضع در فالت نا کشتکی گسه در حدت استرا سزی یک سازمان انقلابی و دموکرات باشد نیز نمی گنجد. جنبش موصی مجاهدین را تحت تاثیر فترا همای

را هم مسود شمول کلمه فقیه دانست پس این چه کوشی حسابی است که آسهادر چسبا ندر خود سه رهبری و دامین زدن به توهمات توده های نا آگاه از خود نشان مدهند؟

در ادامه مقاله معاهد شماره ۷ آمده است: "فقیه واقعی کسی است که با اشراف به جپا سسی سوحده و کدما مکتب اسلام (کدما جپا سسی سوحده و کدما مکتب اسلام؟ آتای علی عووری معظ در مجلس خسرگان از ۲۵ جور اسلام سراع میدهند!) لال در اصول و کلیات، اسلام را در زمان خود بساده کند" کلیه فقیها، مسد سرتصوص مرآن و احادیث، اسلام را در کلیه شتون سسزو در سب زندگی موثر و ذیحمل می دانند و ابولولایت فقیه که کدما کمب فقیه بعنوان نائب امام و پیغمبر را در کلیه امور زندگی مطرح میکند چیزی جز اس نیست، شما ر کجا فناه رایبه "امول و کلیات (۲)" خلاسه میکنید؟ اسن با صلاح حقوقی "اجتهاد ای است در مجالس سب که سادرس است.) سبدر همانا سحواسم "و ایتم مسلزم سخور داری از دیدگاههای واقع بینانه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و روانشناسی... ایست که ساری از مدعیان امروزی آن ارحله سحر اسد (سونه سحری سسراغ دارید؟) وانگی از اسن مطلب صرف سرب می گسبم (چرا؟) که آیا بکفره سب میتواند جامع سمام شرایط مذکور که علوم اینهمه گسرتش پیدا کرده اند باشد؟" (حواب شماره سئوال خودتان در واقع سبقی است اما کتمان میکنید.) مجاهدین در ادامه مقاله رایبه ولایت فقیه با حکومت رایبه رایبه حزب و دولت تشبیه می کنند! آیا اینرا جز رنگ زدن و جز جو را گندم وانمود کردن چیز دیگری میتوان نامید؟

مجاهدین سدرستی در پی برده ولایت فقیه حاکمیت (شردمتا ز) روحانیت را می بینند و نا نمونه ناه طهما سب صوی که اختیار "ولایت" را از مجتهد جامع الشرایط زمان خود گرفته سز سگر اشند. ما سه "روحانیت سسارز" متوسل شده به آنها هشار میدهند و می پرسند: "شما چگونه می توانید تضمین کنید که از اسنگونه (۲) ولایت سب فقیه، اسسداد و اسصار طلبی سسرون نیاید؟" آیا مجاهدین نوعی "ولایت فقیه" را که اسسداد و اسصار طلبی از آن سرون نیاید سراع دارند؟ آیت الهه طالقانی هم که اینقدر مورد اسناد مجاهدین هست ولایت فقیه را بهیسن معنی قبول داشت (شماره های قبلی پیکار- همین بحث)

پیکار دیگر ما این حقیقت را تکرار میکنیم که تمام این بیج و تابیها و مبهم کوشی ها و تناقض ها که در برخورد مجاهدین با امل ولایت فقیه بروز میکنند جزئی از مواض عام آنها در مقابل قدرت حاکم است، آنها نمی خواهند سه "مطلحت" خود نمیدانند، حقیقت را حداقل همانطور که خود میفهمند برای توده های که کوشی به

بقیه از صفحه ۲۴ جنبش کارگری
کند. وقتی ماده ۹ اس لایحه را می نكافسی
می گوید:
محکمی جی اعصاب ندارد، طبق اسس
ماده مسوان کارگری که سرای گرمی کوشه‌ای
رحنن دست به اعصاب رده، مسوان کسی که
رسولند اخلال کرده به ۲ تا ۱۰ سال زندان
مکوم کرد. آتوق اس دولت منواستند
لمردار کارگروما میرالست باشد ؟

ما اردووارالا رتمم ودرحالکه پاسدارها
می گمداگرسیاشندبالا تلک می کیسم ،
نوحی نکردهم ورفتم سالاً "ضیا" بحالست
قهر ارپشت تریسون کتارفت که مثلاً مسی -
خواهد سرد. دراین موقع یکی از نمایندگان
کارگران پشت میکروفون رفت وگفت : " تا
سریا به سام شده، هیچکس حق ندارد اینجا را
سرک کند." معاون وزیر کار با زیرگشت و در
حالیکه مرتب به سگارش یک مزد داد مه داد که :

بدهد ! پس از آن کارگرن جوانی پشت
شربون آمد وگفت : " ۹ ساله بودم که به علت
معدرجه ۲ آمریکاکی ها شروع به کلفتی کردم ،
بعد از چند سال کلفتی رتمم کارخانه ، دراین
کارخانه چون حاضرینم سبکی از مدیران بی-
شرف ارضاط داشته‌ام ، ا حراج شدم ، وقتی
اعراض کردم گفت ، ارضامهات خوشم نمی -
آید. حالا ماهیاست کدسکارم ، پدرم برادر
کرچکم را کده است درس خواند ، تاخاند حرجی
سازد. ما گمسم اگر شاه برود وحمیسی بی-
سد ، خوب می شود ، اما وضع ما بدترهم شد! " در
این موقع جمعیت شعار داد : " سرمایه دار مزدور
عادل هرماستاد است." کارگرجوان ، درپشت
میکروفون ، دستهایش را بالای سرش درهم قفل
کرد و به آرا احساسات رفقانش پاسخ گفت .
بعد از صحبت چند نفر ، کارگر دیگری آمد وگفت :
" پدرم در سمارستان ستری بود ، وقتی سی -
خواستم سارمنش سرور ، گفتمده ۱۲۰۰ نوسان
خرش شده است . گفتم ندارم . گفتمه در ارای
۱۲۰۰ نومان خون شده ، ومن که چاره‌ای ندانم
حون دادم ." وی سپس درحالت اشاره به ضیا
افزاد کرد : " اگر کسی یک کمی عبرت داشته‌اند
و حرفهای ما را نشود ، آب نشود ، اما پس
اسپیدی ، و سرکار سبشرا حون نشود ." در
این موقع قطعاً همه کارگران سگارد در حضور
ضیا خوانده شد. در این قطعاً همه آمده بود که
تا روز دوشنبه ۵۸/۸/۲۱ جواب حواسنهای ماکه
شامل : ۱ - کار (و در صورت بودن ، حی سمد
سبکاری) ، ۲ - دفرجه سمد در ماسی ، است داده
نشود ، مارا دیسائی خواهسم کرد و مسئولیت
هرگونه اتفاق احتمالی نادر است .

کارچی هراسان است ، به معط حق کارگران ،
حواسه‌های شما بر می آید. کارگراسی که
ساخته‌امی همداسنان را سمدهد تا
سرایان کار پیدا کنیم ." کارگران سگاز
اعتراض کرده که : " ما همه سبکارم ، به معط
کارگران ساخته‌امی ." ضیا ادا مه داد : " در
مورد سمد بر ماسی سما مربوط سست ، به وزارت
سبکاری مربوط است ." باز همه اعتراض کردند
و جلسه متشنج شد. آقای ضیا ، باز قهر کرد و این
سار کارگران تلک نارانش کردند ، تا اینکه
برگشت و سمداله ، حراش گفت : " در مورد حسی
سمدسکاری ما در حال تصویب آن هستیم ..."
در این هنگام یکی از نمایندگان کارگرجوان
پشت میکروفون رفت وگفت : " آقایان ! حواب
سما سمد دولت را شنیدید ، ما تا یک هفته دیگر
سختربل سمد دهیم ، این نصیمی است که
نورای سمدسگان گرمه است ." همه تا شید
کردند. پس از آن صحبتهای کارگران ادا سمد
پیدا کرد ، تا اینکه کارگری پشت شربون آمد
و پس ارمقداری صحت از وضع زندگیش ، آستین
ضیا را گرفت و طرف میکروفون کشید وگفت :
" آقایان ! سروع مرابستد ، روبهم ۱۰۰
نومان سی ارزد ، آنگاه کرات معاون وزیر
را گرفت و رونه جمعیت گفت : " کراواتش ایستا -
لیا شیه ، ارناسهای من سختتر مسی ارزد ،"
آنگاه سمد تنقیر آسزی به سراپای ضیا ادا -
خت وگفت : " اسهای خواهندسرای ما کرا ارحام

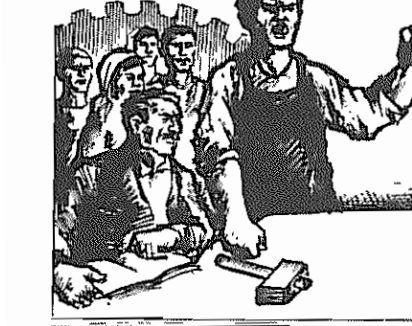
کارگران :

● دوستان! بورژوازی برای خود قانونی دارد و آن اینکه هر کارگری که
اعتراض کند ، باید سرکوب شود! ما کارگران هم قانونی داریم و آن اینکه
تا زمانیکه سرمایه داری و استثمار وجود دارد ، مبارزه خواهیم کرد!
● آقای بهشتی نمی تواند برای ما قانون تصویب کند ، کسانی می تواننند
برای ما قانون بنویسند که از خود ما باشند ، از جنوب شهر ، از
کوره پزخانه ها ، از ...

ما می گوئیم اگر شما واقعاً صد مبریا -
لست هستید ، کله قرار دادهای ایران و آمریکا
را الیومکند ، سرمایه های آمریکائی را بنفع
کارگران و رحمتگان سمداره کیسد. زد ن
تا حدهای امیرالیم بدرسی جورد ، آسرا
اررشته در آورید . این کارگر آگاه ، در ادامه
سجاش به قانون اساسی اشاره کرد وگفت :
" آقای دکتر بهشتی نمیتواند برای ما قانون
تصویب کند ، کسی مستواند برای ما قانون
سویسد که از خود ما باشد. ارحنوب شهر
باشد ، او کوره پرحا هها آمده سمد و با دست -
های پیسته ! " به آقای بهشتی که معلوم
نیست زمانیکه حون گرم جوانان ما سنگفرش
حیا بانهارا گلگون میکرد در آلمان به چه کاری
مشغول بود ، واگر با اوست بدهی فکرمیکنی
که دستپا بت را در پیسه فرو کرده ای . آقای
دکتر بهشتی که خانه اش در شمال تهران قرار
دارد (حیا مان ظفر) چه می فهمد که نفر آدم
در یک اطاق ۲×۳ چکوه زندگی میکند ، آتوقت
ایشان یکی از نمایندگان مجلس خبرگانند و
به اصطلاح قانون تصویب میکنند ! (قسمت
خارج از گبومه از خود گزارش نویسن است) .
کارگرا با دانی دردنیاله ، سخنانش گفت :
" دوستان ! سوزواری برای خودنا سوسی
دارد و آن اینکه هر کارگری که اعتراض کند ،
ساید سرکوب شود ! ما کارگران هم قانونی
داریم و آن اینکه تا زمانیکه سرمایه داری و
استما روجود دارد ، مبارزه خواهیم کرد. ما سمدرب
رسدن کارگان سمداره را ادا مه خواهیم داد ."

کارگرجوانان سگاز
اعتراض کرده که : " ما همه سبکارم ، به معط
کارگران ساخته‌امی ." ضیا ادا مه داد : " در
مورد سمد بر ماسی سما مربوط سست ، به وزارت
سبکاری مربوط است ." باز همه اعتراض کردند
و جلسه متشنج شد. آقای ضیا ، باز قهر کرد و این
سار کارگران تلک نارانش کردند ، تا اینکه
برگشت و سمداله ، حراش گفت : " در مورد حسی
سمدسکاری ما در حال تصویب آن هستیم ..."
در این هنگام یکی از نمایندگان کارگرجوان
پشت میکروفون رفت وگفت : " آقایان ! حواب
سما سمد دولت را شنیدید ، ما تا یک هفته دیگر
سختربل سمد دهیم ، این نصیمی است که
نورای سمدسگان گرمه است ." همه تا شید
کردند. پس از آن صحبتهای کارگران ادا سمد
پیدا کرد ، تا اینکه کارگری پشت شربون آمد
و پس ارمقداری صحت از وضع زندگیش ، آستین
ضیا را گرفت و طرف میکروفون کشید وگفت :
" آقایان ! سروع مرابستد ، روبهم ۱۰۰
نومان سی ارزد ، آنگاه کرات معاون وزیر
را گرفت و رونه جمعیت گفت : " کراواتش ایستا -
لیا شیه ، ارناسهای من سختتر مسی ارزد ،"
آنگاه سمد تنقیر آسزی به سراپای ضیا ادا -
خت وگفت : " اسهای خواهندسرای ما کرا ارحام

زیراست :



"حق کار" ، "حق بیمه بیکاری" از حقوق مسلم کارگران است

کارگرجوانان سگاز
اعتراض کرده که : " ما همه سبکارم ، به معط
کارگران ساخته‌امی ." ضیا ادا مه داد : " در
مورد سمد بر ماسی سما مربوط سست ، به وزارت
سبکاری مربوط است ." باز همه اعتراض کردند
و جلسه متشنج شد. آقای ضیا ، باز قهر کرد و این
سار کارگران تلک نارانش کردند ، تا اینکه
برگشت و سمداله ، حراش گفت : " در مورد حسی
سمدسکاری ما در حال تصویب آن هستیم ..."
در این هنگام یکی از نمایندگان کارگرجوان
پشت میکروفون رفت وگفت : " آقایان ! حواب
سما سمد دولت را شنیدید ، ما تا یک هفته دیگر
سختربل سمد دهیم ، این نصیمی است که
نورای سمدسگان گرمه است ." همه تا شید
کردند. پس از آن صحبتهای کارگران ادا سمد
پیدا کرد ، تا اینکه کارگری پشت شربون آمد
و پس ارمقداری صحت از وضع زندگیش ، آستین
ضیا را گرفت و طرف میکروفون کشید وگفت :
" آقایان ! سروع مرابستد ، روبهم ۱۰۰
نومان سی ارزد ، آنگاه کرات معاون وزیر
را گرفت و رونه جمعیت گفت : " کراواتش ایستا -
لیا شیه ، ارناسهای من سختتر مسی ارزد ،"
آنگاه سمد تنقیر آسزی به سراپای ضیا ادا -
خت وگفت : " اسهای خواهندسرای ما کرا ارحام

اتحاد، اتحاد، علیه سرمایه دار
مرگ سرور ارت سرمایه (وزارت کار)

اتحاد، تشکیلات، شیلاسلح ما است
قدرت زحمتگشان شماره علاج است
این برنا به تا ساعت ۲ بعد از ظهر ادامه داشت.

گزارشی از مبارزات کارگران کشت و صنعت مغان

● افراد کمیته، جها دسا زندگی، توده ای و ملاهای مرتجع بر علیه کارگران

نقل از ضمیمه محلی پیکار
کمیته آذربایجان شماره ۳

به اسن افراد دپشرو با زافته بودند، آنها به فریب عوامل دولتی و کمیته جها بی برده بودند. تجمع کارگران مصادف بود با تحصن دیبله های سیکاروبستن "مخبرات" و ورود اساندارا در باحان ثرفی به منطقه. البته آفای اساندارسرای منحل کردن کشت و صنعت تشریف آورده بودند!

کارگران و کارمندان سا بیسیم به شهرک کشت و صنعت که آقای اساندار در آنجا - در یک اتاق در بسته - می خواست دربار ه هزاران نفر تصمیم بگیرد، خبر دادند که "ما ۴۰۰۰ نفر از کارکنان میخوایم به اینجا بیایید تا مسئله را در اینجا حل کنیم". اساندار جواب داد که "تعمایند بفرستید". کارگران قبول نکردند و جواب فرستادند که "به نمایندگی های اصیل ما برچسب می زنید". اساندار تهدید کرد که "اگر تظا هرات کنید، نمی آیم" کارگران جواب دادند "تظا هرات میکنیم که هیچ، اگر شما نیا بیدهمگی میرویم شهران و جلوی وزارت کشا و رزی با هم ملاقات میکنیم". سپس کارگران همگی راه افتادند و در صفوف منظمی دستها یشان را به هم حلقه زده - از کمپ قدیم که کارگاهها در آنجا ست به طرف پارسی آباد حرکت کردند. آنها در ضمن با دیبله های نیکار را علامت همبستگی کردند. دانش آموزان نیز با بیگازان و کارگران کشت و صنعت اعلام همبستگی کردند. کارگران و کارکنان - متحداً - بازوبه با زوی هم داده و با مشت های گره کرده - شروع به دادن شعار نمودند. "کشت و صنعت منحل الماسون" (کشت و صنعت نسا یه منحل شود) - بسا زارلاری با غیلون - اگر کشت و صنعت منحل اولار - باشوزا و ورون آغیلون" (با زار را ببندید - اگر کشت و صنعت منحل شود - سه سر تان بزنید و گریه کنید) - چون وجود با زاریهای "پارسی آباد" اکثر آوا بسته به سقای کشت و صنعت است بدین جهت تمام دکاندارها مفازه های خود را بستند و با کارکنان این مجتمع اسرا ز همبستگی کردند. "شاهلاری تختن سالان - مالکلاری باندوران دیکنا تورا رقا جردان - کارگردی کارگردی کارگردی کارگردی" (سرتگون، کتنده شاهان - سوزاننده ریشه مالکین - فراری دهنده دیکنا تورها - کارگراست کارگراست کارگردی) - مرتجع لرادرون - هر بر شیشی دوزردن - اسانا

حدود ۱۵ روز قبل از اعتصاب، بعضی از کارمندان و کارکنان اداره آگاه شده بودند که میخوایند کشت و صنعت را منحل اعلام نمایند. بخشنا به هاشی که از طرف وزیر کشا و رزی و مدیر عامل کشت و صنعت، "آقای آثورپور" (اویکی از افراد اارودسته "حزب توده میباشد و در همکاری با کمیته جها بر علیه افراد پیشرو کشت و صنعت از هیچ کوششی مضایقه نکرده است) صادر شده بود، این امر را تایید میکرد.

افراد پیشرو کشت و صنعت میدا نستند که دولت ضد انقلابی در مصادات تا شکل کارگردی این منطقه را برهم بزنند چون از حدود ۴۰۰۰ کارگر در این منطقه وحشت دارد. دولت با منحل کردن کشت و صنعت میخوایند شکل کارگردی این منطقه را به خورده مالکی تبدیل کند. ولی سا وجود این، برا ترسما شیهای که از طرف عوامل دولت (کمیته جها - جها دسا زندگیها - آثورپور توده ای و ملاهای مرتجع ...) بر علیه افراد پیشرو کشت و صنعت شده بود و آنها را ضد انقلابی و کارکنان جلوه داده بودند، اسن افراد پیشرو نمی توانستند خیرا تحلال کشت و صنعت را بطور وسیع در اختیار کارگران و کارمندان بگذارند، تا اینکه یک روز قبل از اعتصاب جلسهای از کارگران و کارمندان کشت و صنعت در همما سرا با حضور یکی از اعضای هیئت مدیره برگزار گردید (المتذکرتنی است که به خواست کارکنان، این همما سرا با دست یکی از کارگران افتتاح شد). بخشنا های وزیر کشا و رزی و مدیر عامل خواننده شهونیز جوابی را که هیئت مدیره و بعضی از مسئولان شرکت به مرکز نوشته بودند - که از عوامل کارمی ترسیدند - نیز خوانده شد. در بخشنا موزر کشا و رزی و مدیر عامل قیده شده بود که کشت و صنعت منحل اعلام شده و زمینها به ترشیب زیر تقسیم خوا هشد:

برای هر کارگر، ۶ هکتار / برای هر کارمند، ۱۵ هکتار / برای هر مهندس ۲۵ هکتار. کارگران سخت عصابی بودند. کارمندان نیز تارا حت بودند. کارگران می گفتند "ما در این زمینها ترخوایم کاشت" و کارمندی می گفت من هم "ما ده وقتا نون دولت را خوا هم کاشت". فردای آثورز افراد پیشرو کشت و صنعت به کارگران خیر دادند که "در جلوی کارگاه جمع شوید، کار کشت و صنعت دار دشام میشود". کارگران بلافاصله در جلوی کارگاه کشت و صنعت جمع شدند. آنها دوباره اعتماد خود را

حقی بیلس - کارگردی کارگردی کارگردی. (کشنده مرتجعین، سازنده هر چیز، اما محروم از حق خود، کارگراست کارگراست کارگردی).

جمعیت که از ساعت ۹ صبح حرکت کرده بود تا ساعت ۴ بعد از ظهر بدون خوردن نهار منتظرا ستاندار در وسط خیابان نشستند. عده ای بطور خود بخودی طوات می فرستادند که با اعتراض سا برین مواحه شد. محترفین می - گفتند "برادر طوات با ما سا زگار نیست، جریه ها سا کشیده ایم" (اشاره به تحریکات کمیته جها).

یکی از کارگران می گفت "قبلا اگر چیزی می خواستیم با بدروی تراکتورها می نشستیم و آققدراجا و بدشاه می زدیم تا اسن نافعان باره شود. حالا هم با بدیا طوات نفر - ستم و با درود سرخسینی بگوئیم تا کسی لطف کند و به حرفهای ما نفاقا سلها گوش دهد". مامورین ژاندارمری موضع بیطرفی داشتند و میگفتند "همینهای که امروز پیشان خرابکار و کمو - نیست می گویند، همان کسانی بودند که مردم را به کوچ و بیازار کشا ندید و شاه را سرنگون کردند. از اس به بعد هم حرف اینها هوا هد بود. دیگر خودمان را توهمل نمایانندیم کارگران عده ای را ما مور کردند تا پیش اساندار سروندو اطلاع دهند که "سرت سلامت، ما تظا هرات کرده ایم ولی خرابکارو جانسی نیستیم و به کسی آسیبی هم نرسانده ایم و در جلوی ژاندارمری آرام، مثل یک کارگردی نشسته ایم".

خلاصه ساعت ۲/۵ اساندار به مسجدپارس - آباد آمد چون روز تحلیل از پاسداران کشته شده در سر دشت بود، اساندار پاسداران را چندین بار فرستاد تا کارگران را قانع کنند به مسجد بروند و در تحلیل پاسداران شرکت کنند کارگران قبول نکردند و بالاخره بحان آمدند و گفتند "آخر آقایان پاسدار، شما که مرکز پیام نیستید که می روید، می آید". یکی از پاسداران بقول یکی از کارگران شروع به "رستمنا به خواندن" کرد که کارگران حمله ور شدند تا خلق سلاح کنند ولی ژاندارمها میان - جیگری کرده و پاسداران را متفرق کردند. بعد از مدتی معاون اساندار آمد و بعد از سخنرانی که دم از انقلاب و ضد انقلاب میزد، گفت "اینجا بلندگو نیست که حنا با اساندار بتوانند سخن - رانی کند و ضمناً در مسجد هم مراسم تحلیل از پاسداران است و هم بلندگو، بهتر است به آنجا بیایید". یکی از کارگران در جواب گفت "آقای مخروط پیدا میشود تا دست آقای اساندار برده ایم که سخرا نی بکنند. از آن گذشته چطور است که حرف های شما را بدون بلندگویی - شنویم ولی حرف آقای اساندار را نمیتوانیم شنویم؟ اصلا میداندار نظر شرع درست

نان، مسکن، آزادی

نسبت که ما به مسجدساییم چون اکثر ما با کیزه نیستیم" و معاون بدون نتیجه سرگشت. کارگران شروع به صحبت با همدیگر کردند که مگر با سدارانی که مرده اند چگونه می‌توانند؟ مثل همین با سدارانی بودند که الان با هانان دعوات تبلیغ اگرو صحت دستشان بی‌بندده ما را ساختند. آریست با زیبا نشان به گلوله می‌سندند تا به اصطلاح "ایمان" خود را ثابت کنند. یکی از کارمندان منگفت "آخر ایس" غا زخواران" را چه به شهادت (چند نفر را سداران در پارس - آبادغازی زدند و بودند و سرکنار رود ارس نوش جان مکرده سدک مردم فهمیده اند و آسمان را گذاشته اند "غا زخواران" سر وزن "با سداران"). بعد از رفتن معاون آفسای پیشتر از مدوسدا زینول کارگران "رحم خونی" ارکارگران خواست تا به مسجدسایند. کارگران در جواب گفتند "یک کلام باید اساندا رسیاید که ساید". بعد از رفتن پیشتر از آفای استان - داربا عده ای با سدارتنگ دست به جمع کارکنان اعتصابی کشت و صنعت آمد. یکی از نمایندگان کارگران بلسد شد و شعار داد "دردیگر کارگر، کشت و صنعت نباید منحل شود" و انما بیون آنرا چسدن با رتکار کردند. استابا شروع به سخنرانی کرد که "دولت از شماست و منحل شدن کشت و صنعت یک شایعه است که اخلالگران و ضد انقلابیون ساخته اند". کارگران بلافاصله سخنانه وزیرکشا و رزی و مدیر عامل را نشان داده و فریاد کشیدند "پس اگر ایستوراس و وزیرکشا و رزی و مدیر عامل ضد انقلابی هستند". اساندا رو ما ندوگفت "من با وزیرکاری ندارم من و کسانی که با من آمده اند هم زندانی سیاسی کشیده ایم" خنده شدید اعتصابیون، "مگر ملای گویند دزدان آفای ناطق که با شما آمده است زندانی سیاسی کشیده است؟".

خلاصه آفای استاندا رگفت "من از شما هستم و اینجا به شما منحل نمی‌شود بلکه رسیدگی بیشتری هم به اینجا خواهد شد". در همین حین چشم کارگران به "عمیسی قربانی" یکی از زمین داران و سرمایه داران نشان افتاد که درخواست کرده بود کشت و صنعت را منحل کنند و چند صد هکتار رسد او دهند. کارگران بقیه اش را گرفتند و گفتند "زمین کشت و صنعت را برای شما سرمایه داران گورستان می‌کنیم". افراد دیگری که طی نامه خواستار انحلال کشت و صنعت و زمین شده اند، عبارتند از: درخشان، حاجی عسکرفیعی، احمدکبانی و عده ای دیگر. شام کارگران و کمیدان با شعار "دردیگر کارگروم و بر سر ما یه دار" براه کشیدند.



چنانکه از حرفهای اساندا رسمی آمد، بزرگترین گزارش از به اصطلاح ضد انقلابیون از چهارم زندگی (یا بقول افراد پیشرو کشت و صنعت، ساواکیهای ریثو) بوده است. مثلاً آنها گزارش داده بودند که ضد انقلاب بیون به درختهای گلای عمداً آب نداد و آنها را خشکانده اند. در صورتیکه در منطقه درختهای گلایی، کانال ترک برداشته و آب زیر درختهای

کلاسی به با طاق تبدیل شده است. یا مثلاً گزارش داده بودند که صد انقلابیون درختهای سادا را شکسته اند. در صورتیکه در کشت و صنعت اصلاً درخت با دام وجود ندارد و ضد انقلابیون هم آنرا شکستند.

مبارزات کارگران توکلی

ادامه دارد

(نقل از کمیته محلی کمیته آذربایجان)
کارگران توکلی موفق شدند، مدیر دولتی را وادار به دادن دو خواست آنها بکنند، ۴۰ ریال حق مباحثه و ۳۰ ریال به دستمزد در روزانه اضافه گردید. کارگران سیددیگرده بودند که در صورت عدم موفقیت شورا در گرفتن خواستهای از رورشنه ۵۸/۸/۵ دست به اعتصاب خواهند زد. مبارزه کارگران برای احقاق خواسته های دیگری شان ادامه دارد.

مبارزه پیروزمند کارگران پیکار قزوین

پس از اینکه کارگران سکار قزوین محل مرمانداری را بعنوان خانه موقت کارگران تصرف کردند. درخواستهایشان را مبنی بر استخدام کارگران سکار به اطلاع عابدی مدیر کل اداره کار و امور اجتماعی رسانند، که وی در جواب میگوید در جلسه ای که روز شنبه به اتفاق فرماندار روسایر اولیای شهر خواهیم داشت، نمایندگان نشان می‌توانند در آن شرکت کرده و جواب را به اطلاعشان برسانند.

روز شنبه حدود ۵۰ نفر سکار در خانه کارگر اجتماع میکنند که ابتدا شروع به افشاکری در باره سیاستهای سرمایه داران و بعد به دادن شعار میپردازند پس از مدتی که از شروع جلسه مسئولین امور باخوابند. کارگران مگردند، نمایندگان به میان کارگران آمده میگویند: "مسئولین میگویند ما فعلاً کارگر احتیاج نداریم و طرحی بی در دست است که ممکن است ۶ ماه دیگر عده ای کارگر بخوایم!!". کارگران دوباره شروع به دادن شعار "اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد" میکنند تا جلسه به پایان میرسد.

روز بعد (یکشنبه ۱۳ آبان) کارگران دوباره در خانه کارگر اجتماع میکنند و نمایندگان خود را برای مذاکره میفرستند در جریان مذاکره سرمایه داران و حامیان شان با طرح استدلالهای مسخره ای از قسمل اینکه دولت سرازها را منافع کرده و در نتیجه ما با مشکل سکاری مواجه هستیم! و... سعی در فریب نمایندگان کارگران میکنند که با مقاومت آنها روبرو میشود. در نماز طول مذاکره، صدای پرطنین "اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد"، "بسمه سکاری، برداخت نباید گردد" و... بگوش میرسد.

سوانحاً کارگران پیکار با مبارزه پیکار چه خود به پیروزی رسیدند و قرار شد کارخانه ها (به نسبت ظرفیت خود) همسایگان را استخدام کنند.

در پایان یکی از نمایندگان کارگران میگوید: "وقتی آقایان صدای شعار شما را می شنیدند، پشتتان میلرزید. و آنچه که باعث شد اینها جلسه تشکیل بدهند و نمایند - کان کارگران را در آن شرکت دهند، فقط اتحاد ما بود" یکی دیگر از کارگران منگفت: "دوستان کارگر، اتحاد را فراموش نکنید، اگر آنها زیر قولشان سوزند ما باز هم با کمک یکدیگر آنها را مجبور می‌کنیم که ما را استخدام کنند".

مبارزات کارگران پیمانی صنعت نفت

مسئله رسمی شدن کارگران پیمانی صنعت نفت همچنان لا ینحل مانده است. مقامات مسئول و هیئت های گوناگونی که از تهران و دیگر نقاط خوزستان به آبادان آمده اند، جز اینکه کارگران را دعوت به "صبر انقلابی" و کار بیشتر کنند هیچ گری از شکل کارگران نگشودانند. در طول ماههای گذشته کارگران ان پیمانی ضمن تحصن و راهبیمانی و حتی اشغال دفتر مرکزی، خواسته های عادلانه خود را که عده ترین آن همانا رسمی شدن بود مطرح ساختند. لیکن هنوز که هنوز است جوابی دریافت نکرده اند.

در تاریخ ۵۸/۸/۸ گروهی از کارگران پیمانی ضمن صدور اعلامیه ای وضع اسفبار خود را شرح داده و اقداماتی را که از فردای قیام بعمل آورده اند، ذکر کرده اند. آنها در ابتدای اعلامیه خود خطاب به دیگر کارگران پیمانی پرسیده اند:

- ۱ - چرا مسئولان صنعت نفت موافقت نامه ای را که با کارگران پیمانی بسته اند، اجرا نکرده اند؟
- ۲ - چرا حقوق روزهای پنجشنبه را به کارگران پیمانی (اداره ساختمان) پرداخت نمی‌کنند؟
- ۳ - پول بیمه که در مدت هفت ماه از کارگران پیمانی (اداره ساختمان) کسر شده، چرا به شرکت بیمه پرداخت نشده؟

کارگران پیمانی در اعلامیه خود ماهیست صد کارگری رژیم را افشا کرده و در پایان بر لزوم اتحاد و یکپارچگی کارگران در مبارزات خود، تاکید کرده است.

آبادان، اعتصاب کارگران پیمانی

کارگران پیمانی بخش ساختمان صنعت نفت در آبادان از روز چهارشنبه ۸/۲ بعنوان اعتراض به قطع حقوق پنشنه ها و نیز عدم جرای موافقتنامه ای که در زمان "نزیه" در پی یک اعتصاب چندین روزه، اکثر کارگران پیمانی آما دان بسته شد، دست به اعتصاب زده اند. جالب اینجاست که "معین فر" وزیر نفت دولت ضد انقلابی در حالی موافقتنامه همپا - لکی اش "نزیه" را سا کارگران زحمتکش پیمانی بقیه در صفحه ۶

اخباری از:



جنبش دانش آموزی

گشته بود با حمله فالانژها روبرو شد. در مقابله با این حمله مرتجعانه دانش-آموزان دختر مدرسه فردوسی آبادان نیز به دانش‌آموزان تظاهر کننده، ملحق شدند، و علیرغم فشار مرتجعین سراهبمایی برداختند. آنان شعار میدادند:

شورای بی محتوا، حامی سرمایه دار
محفل پیروز است، ارتجاع نابود است،
معلم، راه صد راه تو- مرگ بر این
سیستم آموزشی.....

خروم شهر

« دانش‌آموزان دبیرستان دخترانه "آلادپوش" به تفتیش هرروزه دانش‌آموزان در مسیر-ستان اعتراض نموده و دست به تحمیل پیروزمندان ای زدند. آنان با اتحاد خود پیروز شدند، و تحمیل را خاتمه دادند.

« هرجوای صنعتی خروم شهر با اعلام همبستگی با هرجوای سراسر کشور در جهت حواسته های صنعتی و سیاسی خوش دست به محض زدند. آنان از حمله خواستار آزادی بیان و عقیده در محیط هنرستان، ایجاد شورای واقعی و ایجاد امکانات رفاهی و آموزشی برای هنرجویان شدند. تحمیل آنان سلطت بدبهرت شدن تمامی خواسته هایشان از جانب مسئولین، اذامه دارد.

شیراز

بزرگداشت ۱۳ آبان ۵۸/۸/۱۳ هنگام با دانش‌آموزان سراسر کشور و شیراز نیز تظاهراتی از سوی دانش‌آموزان هلا-دار سازمان پیکار ترتیب داده شد. در ایسی تظاهرات گروه دانش‌آموزی راه صد مرتجع شرکت داشتند. دانش‌آموزان در ساعت ۹ صبح در فلکه شهید (شهرداری سابق) اجتماع کردند و یکی از دانش‌آموزان مقاله ای خواند. در ایس مقاله اشاره ای کوتاه به جنبش و قیام، دولت و ما هیتش شده بود. راهبمایی از میدان شهید شروع شد. در مسیر راهبمایی شعارهای مانند: فعالیت سیاسی حق مسلم ما است، فرهنگ استعماری نابود با بدگردد، سیستم آموزشی شوموش با بدگردد، داده میشد، عده ای مرتجع با شعار مرگ بر کمونیست و حزب فقط حزب الله کوشیدند تظاهرات راه-پیمایی را بهم سوزند که با هتیار راهبماییان خنثی گردید.

پس از یک ساعت راهبمایی قطعنامه ۹ ماده ای از طرف دانش‌آموزان خوانده شد. مواد قطعنامه از این قرار است:

- ۱- لغو شوری و وابگان و اجباری نبودن تحصیل در تمام مراحل برای دانش‌آموزان.
- ۲- برداخت کمک هزینه تحصیلی.
- ۳- ایجاد شوراهای واقعی از نمایندگان دانش‌آموزان با داشتن قدرت اجرایی و عملی کامل و کنترل کلیه امور مدرسه بدست خود دانش‌آموزان.

تهران

روزیکنه ۱۳ آبان، با دعوت "کانون دانش‌آموزان مبارز، طرفدار آزادی طبقه کارگر" مراسمی در زمینی چس دانشگاه پلی-تکنیک برگزار شد. در ابتدای برنامه پیام دانش‌آموزان مبارز تهران خوانده شد و پس از آن سرودی دسته جمعی توسط دانش‌آموزان اجرا گردید. سپس پیام "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" مناسبت این روز قرائت گردید و آنگاه منشی درباره گردستان خوانده شد. در این روز پیمای زیادی واصل شده بزرگنما سرخی از آنها اکتفا می کنیم.

۱- پیام دانشجویان مبارز

کامیاران

روزشنبه ۵۸/۸/۱۳ تظاهراتی از طرف دانش‌آموزان مبارز کامیاران به پیشانی از پیشمرگان سازمان انقلابی رحمتگان کردستان و مبارزات خلق کرد و دیگر طیفهای ایران برپا شده در آن مردم کامیاران و روستاهای اطراف شرکت داشتند (تعداد تظاهر کنندگان نزدیک به ده هزار نفر بود).

شعارهایی که در تظاهرات داده میشد

مبارزات دانش‌آموزان در خوزستان

امواج جنبش دانش‌آموزی روز بروز در حال حوش و گسترش است. دانش‌آموزان مبارز خوزستان نیز در روز دانش‌آموز شعارهای خوشی را در همبستگی با خلق قهرمان کرد و در حمایت از مبارزات رحمتگان و در بیان خواستههای خویش ممانه بخشی از خلق فریاد زدند. در زیر، گوشه هایی از این امواج خروشان را منعکس میکنم:

اهواز

« صبح ۱۳ آبان تظاهرات پرشکوهی از جانب دانش‌آموزان دختر چند دبیرستان اهواز (هنر - ستان بازرگان، محبوبه متحدین، پروین - اعتمادی و...) به دعوت دانش‌آموزان دبیرستان محبوبه متحدین، برگزار شد. در این راهبمایی دانش‌آموزان به دست گیری ۸ نفر از دانش‌آموزان محبوبه متحدین، اعتراض کردند. آنان همچنین خواستار آزادی فعالیت سیاسی در مدارس، تشکیل شوراهای واقعی دانش‌آموزان، اخراج مدیران انتحالی و جایگزین نمودن مدیران انتخابی گشتند.

۲- کانون مستقل معلمان
۳- دانش‌آموزان پیشگام کردستان
۴- دبیلنه های پیکار تهران
و.....
همچنین در حین برنامه شعارهای توسط جمعیت داده میشد که عبارتند از:
اتحاد، اتحاد، علیه امپریالیسم
محفل می رزمند، ارتجاع می لرزد
هرسنة تحصیلی برای زحمتکشان برداخت باید کرد
..... درود سرکارگر
..... درود بر پیشمرگان
کار برای کارگر زمین برای بزرگ
مرگ بر این فرهنگ استعماری
پیرو با دلم ره رهایی

بدین ترتیب بود:
بازی هیزی کومله زحمت کشی لاله
خلق کرد میرزم ارتجاع می لرزد
سرمایه دار خرمی مژه طالعه فقیر کوزه و...
ومرودهای پیشکوشی رقیب و ای رفیقان.
در تاریخ ۵۸/۸/۸ بدندان حکم تبعید چندتن از معلمین مبارز کامیاران تصداده ۶ نفر از محصلین دختر و پسر کامیاران دست به تحمیل زدند و حواستار لگو حکم صادره شدند که بعد از موفقیت در روز ۸/۱۱ به تحمیل خود پایان دادند.

« در روز ۵۸/۸/۵ در دبیرستان هدف دانش‌آموزان به علت اعتراض به عوض شدن مدیر دبیرستان و خواست فعالیت سیاسی آزادانه برای تمام دانش‌آموزان، به کلاس سرفتند. آنان قطعا به ای مادر مرده و خواسته های خود را اعلام نمودند.

آبادان

« در روز ۱۳ آبان، تظاهرات چندین هزار نفره ای با شرکت دانش‌آموزان مبارز دبیرستانهای مختلف آبادان برگزار شد. این تظاهرات با شکوه با حمله فالانژها روبرو شد که سعی در پراکنده نمودن آن داشتند. اما دانش‌آموزان بیزمانانه به مقاومت برداختند که عده زیادی از آنان سیر زخمی شدند.
دانش‌آموزان شعار میدادند:
- فعالیت سیاسی آزاد با بدگردد.
- حمله به دانش‌آموز توطئه ارتجاع.
- کردستان سنگر زحمتکشان.
- مرگ بر این سیستم آموزشی.

« در روز ۱۲ آبان تظاهراتی با شرکت بیش از هزار نفر از دانش‌آموزان آبادانی برپا شد. تظاهرات که از دبیرستان سپهر آغاز

اخباری از: کردستان قهرمان

۶ روز در مهاباد قهرمان

آنچه که در زیر میخوانید قسمتی است از اعلامیه بلندی که با عنوان "درو بر خلق دلاور کرد" که حوزه سندج جا زمان ماب تاریخ ۵۸/۸/۴ در سطح کردستان منتشر نموده است :

چهارشنبه ۵۸/۷/۲۵: یک گردان از نیروهای کلاهی سبز سوار بر مینی بوس و اتوبوس در حالیکه بتوسط تانکها اسکورت میشدند بعد از ظهر از ارومیه وارد مهاباد شده و بسرعت روانه بادگان گشتند .

پنجشنبه ۵۸/۷/۲۶: از صبح زود معلوم شده است که ارتش و پاسداران تمامی راههای اصلی و فرعی را بسته و مانع از ورود و خروج میشوند و با اینکار خود تصمیم دارند برنامه خانهگردی و سبمی را براه انداخته و با دستگیری وسیع حیوانات مبارز و انقلابی مهاباد را از وجود عناصر اصطلاح ضد انقلاب پاک نمایند . حدود ساعت ۳ بعد از ظهر برنامه پاکسازی شروع شده و نیروهای کلاهی سبز و ارتش و پاسداران اسفاله حیوانات و کوجه های اطراف بادگان را آغاز می کنند ، جوانان مبارز و انقلابی سهر با سلاحهای کسه در دسترس داشتند (نارنجک و سلاحهای سبک) بمقابله ستانته و در گرسبهای سختی درمیگیرند که تا نزدیک نهمه شب ادامه داشته و سرانجام نیروهای مهاجم با دادن تلفاتی به بادگان عقب نشینی میکنند ، تعدادی سلاح و مقداری مهمات بدست انقلابیون می افتد .

جمعه ۵۸/۷/۲۷: سهر از آرامش نسبی برخوردار است . سب هنگام پیشمرگه های قهرمان دشمن را غافلگیر نموده و ضرباتی وارد ساخته و یک جسد زاندرمیری را با شش میکشند . شنبه ۵۸/۷/۲۸: از ساعت ۲ بعد از ظهر دشمن با تانک و زره پوش در صدد اشغال مجد دسهر برمی آید . در همان لحظات اولبه پیشمرگه های قهرمان با سلاح (آر. پی. - حی) پنج تانک را منفجر نموده و نبرد های کوچک به کوجه را آغاز می کنند . مردم شهر در این روز با کتکهای بیدریغ خود همبستگی و پیوند عمیق خویش را با مبارزین انقلابی به اسکال گوناگون بنمایش می گذارند . با پشتیبانی وسیع توده های مردم ، دشمن بار دیگر به بادگان عقب نشینی می نماید .

یکشنبه ۵۸/۷/۲۹: اوضاع شهر نسبتاً آرام است ، هیچ ارتشی ، پاسدار و کلاهی سبزی در سهر دیده نمیشود . بهنگام غروب پیشمرگه ها با سلاحهای گوناگون بیکی از مواضع ارتش که

در اطراف سهر بر روی تپهای قرار دارد حمله نموده و تانکها را مجبور به عقب نشینی می نمایند . امروز هر کسی که سلاحی در زیر خاک پنهان کرده بود اسلحه بدوش گرفته است و پیشمرگه ها آزادانه در شهر رفت و آمد می نمایند .

دوشنبه ۵۸/۷/۳۰: شهر کلاً در دست مردم و پیشمرگه ها است . پاسداران در خانه حیوانات نزدیک پادگان موضع گرفته و مردم بی گناه را که از آن حوالی عبور می کنند غافلگیرانه بگلوله می بندند . این چند روز از مردم ۴ یا ۵ نفر شهید شده و ۱۳ الی ۱۴ نفر زخمی گشته اند ، از نیروهای دشمن عده زیادی کشته و زخمی شده اند که از تعداد دقیق آنها اطلاعی در دست نیست .

اعتراض مردم سندج به نحوه فرمایشی مذاکرات هیئت اعزامی

بدنحال اعلام جهاد علیه خلق کرد از طرف قدرت حاکم ، و هجوم و حشانه ارتش ضد خلقی و پاسداران فرس خورده و مزدور به کردستان و اعدام بسیاری از زمینگان در شهرهای مختلف کردستان ، خلق کرد دوش بدوش پیشمرگان قهرمان خود در شبرو کوه دست به مبارزه مقاومت زد . آس مبارزه با آنحاکم مل یافت که اکنون از جنبه تنافسی در آمده و شکل شعری بخود گرفته است بطوریکه مرتجعین را از خیال خام سرکوب جنبش حق طلبانه ، خلق کرد از طریق نظامی منصرف گردانده و آنان را وادار به چاره اندیشی نموده است . دولت ضد انقلابی اینسار توطئه دیگری در سردار و چاره را در مذاکره می بیند . دولت ارتجاعی می خواهد از مذاکره بعنوان سلاحی برنده تر از هجوم نظامی استفاده کند . زیرا او خوب می داند تا زمانیکه خلق کرد در سنگر است و مسلحانه می جنگد ، امکان تفرقه در بین آسان نیست به همین منظور کباره صدو هشتاد درجه چرخش نموده و به فکر مذاکره افتاده است . (باید پرسید دولت توطئه در سردار و مذاکره برای چیست ؟ مگر نه اینست که خواسته خلق کرد در یک قطعه نامه داده ای قبلاً به اطلاع دولت رسیده است) ، در نتیجه هیئتی را بنام حسن نیت که در واقع سو نیت دارند روانه کردستان نمود و اما دگی خود را جهت مذاکره اعلام نموده است .

دولت می خواهد در این مذاکره از سیاست "تفرقه انداز حکومت کن" استفاده نموده و دادا در پاره ای امتیازات به عده ای سازشکار و مرتجع در صفوف خلق کرد تفرقه ایجاد نماید و از این نیروهای سازشکار بعنوان جماعی علیه نیروهای مترقی استفاده کند . دولت میخواهد با مرتجعین محلی به مذاکره بنشیند و سپس از بلندگوهای ارتجاعی خود چنین وانمود کند که

با نمایندگان خلق کرد مذاکره نموده است . برای نمونه ، در تاریخ ۱۳ آبان که هیئت دولتی وارد سندج شدند ، از چند تن از مرتجعین از جمله "مجتهدی" خواسته بودند که با آنان مذاکره کنند . مجتهدی راه همه مردم کردستان از کوچک و بزرگ بخوبی می شناسد . او کسی است که در دوران رژیم منغوز پهلوی تمام روزهای صبح در مسجد جامع سندج برای سلامتی "تا هسنا و هسها نو" دعا می خواند و تا مدتی بعد از انقلاب تا میرده جرات بیرون آمدن از منزل خود را نداشت . اکنون بعید نیست که اسن رژیم نیز مجتهدی را نماینده خلق کرد بنامد زیرا منافع وی چنین اقتضا میکند .

اما حلی کرد بیدار است . مردم مبارز سندج به محض اطلاع از جریان حلوسجدوالسی که مجتهدی در آنجا مشطربهیئت دولتی بود جمع کرده و شعاری دادند : رهبر ما در سنگر است ، مذاکره تحریم است . مذاکره با معنی (مجتهدی) توهین به خلق کرد است ، مرک بو حاشه کان ، حاشه کورد و روشه کان . سپس مردم دسته دسته در حیسان راه افتادند و علیه هیئت دولتی و جانشای محلی شعار دادند . آنکاه مردم در جلو اسناداری جمع کرده و قطعه نامه ای را در چند ماده خواندند و اعلام کردند فردا جهت اعتراض به نحوه مذاکره ، مردم در میدان آزادی جمع شوند .

در تاریخ ۱۴ آبان پیش از (۵۰۰۰۰) نفر از مردم مبارز سندج در یک راهپیمایی و تظاهرات عظیم شرکت کردند . تظاهرات کنندگان خواستهای خود را در پلاکاردهایی منعکس نموده و مرتب شعاری دادند . پاره ای از شعارها چنین است : رهبر ما در سنگر است ، مذاکره بی شعراست / مذاکرات پنهانی با احزاب سازشکار ، افتخار با بدرگردد / ارتش ضد خلقی ، پاسداران ارتجاعی نابود با بدرگردد / مذاکره با مفتی توهین به خلق کرد است ، قطعنامه مهاباد ، خواسته خلق کرد است / خبرگان ، خبرگان ، حامی ستمگران / بازرگان ، بازرگان دشمن زحمتکشان / خلق کرد بیدار است ، از تفرقه بیزار است / هیئت حسن نیت توطئه دولت است / مذاکره پنهانی یک حیل جدید است / دویب ارتجاعی حسن نیت ندارد ، توطئه ارتجاع دیگر اثر ندارد / نه سازش نه تسلیم ، تا پیروزی نهایی جشن ادا مده دارد .

تظاهرات کنندگان هنگام عبور از خیابانها در چندین محل نقل باران و سکه باران شدند . هنگامیکه تظاهرات کنندگان از جلو یک دبستان دخترانه عبور میکردند ، دانش آموزان خردسال از جلو پنجره مدرسه شعاری دادند : رهبری راسته قیبه ، فقط شیخ عزالدین (رهبر واقعی فقط شیخ عزالدین است) . در پایان تظاهرات کنندگان در چها راه شهدا قطعنامه خود را خواندند . پاره ای از مواد موجود در قطعنامه عبارتند از :

حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلق هاست

بقیه از صفحه ۴ بیانییه سازمان ...

آمریکا متمل شده است و منشاء اصلی تمام بحران های اقتصادی - اجتماعی جامعه ورنج و ستم دیرینه، اقتصادی و سیاسی برتوده های زحمتکش ما ست. و این آن چیزی است که هیئت حاکمه، کنونی علیرغم هایهوی فراوان و تبلیغات مریکارانه، از با سخگونی به آنها عاجز است و تاکنون با توجه به تمام اعمال و کردار خود به توده ها نشان داده است که در برابر تحقق این خواست توده ها با تمام قوا قد برمیافزاد.

● کمونیستها باید با شرکت فعال در مبارزات ضد امپریالیستی توده ها که هم اکنون در کوجه ها و خیابانها جاری است و هر روز اوج بیشتری میگیرد و با بردن شعارهای واقعی ضد امپریالیستی به میان آنان، نشان دهند که پیگیرترین نیروی ضد امپریالیستی هستند.

کمونیست ها که تاکنون با سیاست های افشاگرانه، خود حقانیت سیاسی و تاریخی خویش را نشان داده اند، اکنون نیز نباید یک لحظه در افشای این واقعیات و ماهیت هیئت حاکمه تردیدی بخورد راه دهند. آنها باید با شرکت فعال در مبارزات ضد امپریالیستی توده ها که هم اکنون در کوجه ها و خیابانها جاری است و هر روز اوج بیشتری میگیرد و با بردن شعارهای واقعی ضد امپریالیستی به میان آنان، نشان دهند که پیگیرترین نیروی ضد امپریالیست هستند.

آنها باید در متن همین شرکت فعال نشان دهند که انحصار طلبان جنگ - افروز دیروز که دستشان تا مرفق به خون خلق کرد آلوده است، بناگزر و بنا سیر ما هیت طبقاتی خود نمی توانند خواست های ضد امپریالیستی آنها را بر آورده سازند و میگویند تا این مبارزه را اوشقه، با زیانی اقتدار افول یابنده، خویش قرار دهند.

آنها باید در متن همین شرکت فعال نشان دهند که نیروهای لیبرالیسم همچون جمهوری خلق مسلمان به زعامت شریعتمداری، جبهه ملی و ... که هم اکنون مزورانه لباس "ضد امپریالیستی" بر تن کرده اند و در بیابانها و روزنامه های بر طمطراق خود اندر ضرورت مبارزات بر علیه امپریالیسم قلم فرسائی می نمایند، در بی مبارزیدن به مبارزات اوج یابنده، توده ها بر علیه امپریالیسم آمریکا و هیئت حاکمه هستند. آنها باید نشان دهند که چگونه رویزیونیستهای وابسته به سوسیال امپریالیسم حزب توده میگویند تا بر تمام عملکردها و سیاست های ضد انقلابی هیئت حاکمه و جناح قدرتمند کنونی آن پرده اندازند و با شرکت در "جشن ضد امپریالیستی" هیئت حاکمه، نشان شیرینی ای برای خود دست و پا کنند.

آنها باید نشان دهند که چگونه رویزیونیستهای منفور "سه جانی" به اعتبار سیاست های رویزیونیستی و ضد انقلابی شان، از او جگری مبارزات ضد امپریالیستی توده ها بر علیه امپریالیسم آمریکا، افسرده خاطر شده اند و بدین ترتیب پرده از چهره کثیف تکویریهی ضد انقلابی آنان که بر اساس آن حاضرند بخاطر "مبارزه" با سوسیال امپریالیسم به پای اتحاد با امپریالیسم خونخوار آمریکا بروند، بردارند.

و سرانجام آنها باید در متن همین شرکت فعال به دموکراتهای ناپیگیر نشان دهند که نباید مسحور چند اقدام ضد آمریکا شای این بخش از هیئت حاکمه شده و با فراموش کردن گذشته، سراسر تنگین اینان به وعده های شیرین و دهان پرکن آنها دل خوش کنند و بیش از بیش در محاق توهم و خوشبآوری فروروند.

آری اکنون وظایف خطیرتری در پیش روی کمونیست ها است.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۸/۸/۲۰

بقیه از صفحه ۱۲

جنبش دانش آموزی ...

۲ - برگرداندن معلمان و دانش آموزان مبارز و انقلابی که اخراج شده اند و اعاده حیثیت از آنها.

۵ - آزادی فعالیت های سیاسی در مدارس.

۶ - اخراج هر چه زودتر احراری رئیس کمال آموزش و پرورش فارس.

۷ - شعوبی محتوای کتابهای درسی که اساس نیازهای امپریالیستی و با فرهنگ استعماری تدوین شده.

۸ - اخراج عناصر واکمی و ارتجاعی که خوش خدمتی خود را به رژیم سابق نشان داده اند.

۹ - پایان دادن به کشتار ریبی رحمانه خلفهای تحت ستم بخصوص خلق کرد و پشتیبانی

کامل از خواستهای برحق و مبارزات پیگیر و قهرمانانه، دانش آموزان کردستان.

بعد از خواندن قطعه نامه دانش آموزان به راهیمائی خوبا نامه دادند. اما فالانزهای

انحصار طلب با جوب و سنگ نظر هر کسندگسان را محذوآ مورد حمله قرار داده چند نفر را کتک

زدند و یک نفر را زخمی نمودند. سپس دانش آموزان متفرق شدند.

هدف از گذاشتن راهیمائی، گراسی - داشت خاطر، تهدای ۱۳ آبان، مطرح کردن

خواسته های صنعتی - سیاسی، ایجاد حرکت در جنبش دانش آموزی، بیرون دادن مبارزات زحمت

کشان، تشکل و اتحاد نیروهای مبارز و افشاکری

و همگام بودن با مبارزات مردم و دانش آموزان در سایر شهرها بود. این بار دانش آموزان

بخواستند در سالنهای در بسته، دانشگاه جمع شوند و شعار بدهند بلکه می خواستند در خیابان

ندای حق طلبانه، خود را بگوش مردم برسانند و

با این حرکت به جنبش دانش آموزی اعتسلا،

بخشدند. آنها به خیابانها آمدند تا به مبارزات دانش آموزان سمت و سوی توده ای بدهند و راه

را برای مبارزات و راهیمائی های بعدی هموار سازند. ■

تبعیدشدگان و محاکمه، خلخال و جانشیای محلی در یک دادگاه خلقی.

۳ - پشتیبانی از متن پیشنهادی شیخ عزالدین حسینی و اعاده حیثیت سیاسی از رهبر ملی

و مذهبی کردستان " حضرت شیخ عزالدین حسینی " و افشای تمامی جعلیات و آنها -

مات واهی نسبت به این شخصیت مبارز کرد در برابر برتاما می خلقهای ایران از طریق

رسانه های گروهی.

۴ - هیئت اعزامی باید فقط با نمایندگان گروههای سیاسی کردستان مذاکره کنند و

هر نوع مذاکره، یکجا نشه و پنهانی از جانب خلق کرد محکوم است.

۵ - خلق کرد خواستار انحلال مجلس فرما پیشی خسرگان و تشکیل مجلس موسسان واقعی

شامل نمایندگان کارگران، دهقانان و سایر اقشار خلقی است.

۶ - آزادی فعالیت احزاب، سازمانها و گروهها و آزادی انتشار روزنامه های

مترقی و پیشرو. ■

اخبار کردستان ...

۲ - اخراج پاسداران، آزادی زندانیان

سیاسی بدون قید و شرط، بازگشت کلیه

۱ - قطعنامه هشت ماده ای مهاجرت



جنبش کارگری

محاكمه نماينده بورژوازی در خانه کارگر

کار و دفترچه بیمه درمانی
خواست اصلی کارگران بود .

بعد از اینکه کارگران پیروز مندان خانه کارگر را تصرف کردند، اعلام نمودند که روز دوشنبه ۵۸/۸/۱۴ در خانه کارگر اجتماع خواهد کرد و چنانچه نماینده ای از طرف دولت برای پاسخگویی به خواسته هایمان حاضر نشود، سوی وزارت کار و رفاهات خواهند نمود .

و امروز دوشنبه بود، " ضیا " مسأون وزارت کار ریستوان نماینده دولت در اجتماع صدها نفری کارگران در خانه کارگر حاضر شده بود . ساعت ۹ و ۱۰ برنا مه با سازماندهی خوبی شروع شد . هرکس می خواست صحبت کند، قبلاً باید اسم می نوشت و نوبت می گرفت . کارگران زیادی صحبت کردند و هر یک با طرح مشکلاتشان بنوعی نماینده بورژوازی را به محاکمه کشیدند . ضیا در مقابل مطرح شدن خواسته های کارگران مرتباً زیبونا نه می گفت چشم، چشم . ما در اینجا صحبت های چند نفر از کارگران را به اختصار ذکر می کنیم :

کارگری پشت میکروفون رفت و گفت :
" در راه پیمائی از وزارت کار به نخست وزیری مراد استگیر کردند، ۳ روز در کمیته مرکزی و ۱۸ روز در زردان اوبن بودم، در موقع آزادی از مراد استگیر کردند که دیگره گرسنگی ام اعتراض نکنم، دیگر در تظاهرات شرکت نکنم، ولی من فقط تعهد دادم که دیگر مقابل نخست وزیری نروم . " کارگر دیگری پشت میکروفون رفت و گفت : " ما ۲۴ ساعت دست و پای یکنفر را سینه بدیسینید می توانست گرسنه ماند، هی نما می گوئید میرکنید، آخر تاکی ؟ ما از همه میخواهیم که از ما پشتیبانی کنند تا بتوانیم خواسته هایمان برسیم . "

قابل ذکر است که کارگران بهنگام سخن رانی اغلب معاون وزیر کار را مورد خطاب قرار می دادند و او هم جز تا شید و چشم گفتن چیزی نمی توانست بگوید . یکی از کسانی که صحبت کرد، کارگری از آبادان بود، وی گفت :
" سلام مادقانه من کارگر همه شما، به کارگران خوزستان نه رزمندگان دلیر کردستان و به همه خلقهای دیگر ایران . حتماً تاکنون ماهیت غیرضد امپریالیستی آقای بازرگان برا یقتان روشن شده است . ایشان کسی است که میروند با سرسکی مذاکره می کند، آقای بازرگان ادعای ۴۰ سال مبارزه میکند، ولی بهتراست بگوئیم ۴۰ سال سازش . اگر میخواهید ایشان دولتشان را بهتر بشناسید، یکبار دیگر به علاجه " رسیدگی نه حرام خدا انقلاب " مراجعه

بقیه در صفحه ۱۴

سه اعتصاب در یک ماه (اعتصاب،
مدرسه کارگران است)

کارگران از خروج کالاهای تولید شده، از انبار جلوگیری میکنند .

سه اعتصاب در یک ماه از احساسات مذهبی کارگران بی فایده بود و کارگران بخوبی ماهیت نماینده صنایع و معادن و ... را شناختند و حرف هیچ مقامی را برای شکستن اعتصاب گوش نمی کردند .
ضرغامی این نماینده دولت ضد کارگری هم شدیداً در مقابل خواسته های کارگران استنادی میگرد و سر مسئله " دادن حق امضا به شورا " نیکی از نمایندگان کارگران و نماینده ضرغامی خاش درگیری لفظی بوجود می آید که ضرغامی حیل گریه اصطلاح قهر کرده و از کارخانه فرار می کند و فعلاً به کارخانه نمی آید، گویا ۲۰۰ میلیون تومان دزدی کرده اند . وزارت صنایع می گوید در صورتی ضرغامی به کارخانه می آید که شورا حق امضا نداشته است و ولی کارگران بشدت روی خواست حق طلبانه خود با فشاری کرده و تسلیم وزارت صنایع و معادن که حافظ منافع کارگران است نمی شوند .

بالاخره بعد از دوروزه به خواست کارگران توجهی نمی شود و کارگران از نمایندگان مبارز از کارگران می خواهند که به سرکار بیروند و به تولید ادامه دهند ولی جلوی خارج شدن تولید را بگیرند و انبار کنند . هنوز هم وزارت صنایع به خواسته های برحق کارگران هیچ جوابی نداده و کارگران مبارز هم تولید را انبار کرده و نمی گذارند از کارخانه خارج شود . زرمه هائی هم هست که احتمالاً از تاریخ ۲۱ آبان حقوق کارگران قطع خواهد شد و کارگران هم تصمیم دارند محصولات تولید شده را در جلوی کارخانه بفروش بیاورند .

لازم به تذکر است که در اثر اوجگیری مبارزات کارگران و فشار بیش از حدی که به آنها وارد میشود حدود ۲۰ روز قبل شورا سازش کار سابق را متحل کرده و مجدداً نمایندگان خود را انتخاب کردند (که از ۱۱ نفر نماینده ۹ نفرشان از کارگران مبارز هستند) . نتوانند به خواسته های برحق خود جا هم عمل بپوشند .

" تا بودا دتوطه های سرمایه داران خونخوار " برقرار است تا دو همتسگی کارگران "

اعتصاب در کارخانه ارج

هفته اول آبان ماه در کارخانه ارج به خاطر نبرد اذیتن سودویزه به کارگران اعتصاب شد و این اعتصاب ۲ روز بطول انجامید و یکی از خواسته های کارگران دادن حق امضاء به شورا برای فروش و خواست دیگر کارگران پرداخت سودویزه بود . از عید ۵۸ فقط ۲۰۰۰ تومان سود بمسأون علی الحساب به کارگران پرداخت شده است که متعلق به ماه اول سال بود و اکنون ۴ ماه از پرداخت این سود گذشته و هنوز سود ۳ ماهه دوم پرداخت نشده است . همه کارگران بیاد دارند که فاطمی زاده (مدیر سابق) مرتب وعده می داد که امسال سود کارخانه به حساب خود کارگران (!) می رود و کارخانه مال خود کارگران است بعد هم همین مزدور ضد کارگری به حبیب زدن میلیونها تومان از دسترنج کارگران به آمریکا فرار کرده و به ریاب خود، مهندس ارجمند، پیوست ولی نصیب کارگران از این در آمد عظیم کارخانه فقط ۲۰۰۰ تومان بود . ولی وقتی کارگران فهمیدند که کلاه بزرگی سرشان رفته است به وزارت صنایع و معادن رفته، از آنها می خواهند که نماینده ای برای اداره کارخانه بفرستند، آنها هم شخصی بنام ضرغامی را بعنوان نماینده می فرستند . کارگران فکری کردند بسیار و نماینده صنایع و معادن جلوی غارتگریها و دزدیهای کلان گرفته خواهد شد ولی ضرغامی این نماینده سرمایه داران از همان روزهای اول در جهت منافع کارفرمای زالمصفت قدم برمی داشت و در مقابل خواسته های کارگران می ایستاد . وضع کارگران از سابق هم بدتر شد و هیچکدام از خواسته های حق طلبانه آنان تا مین نشد، به همین خاطر در دوره ضرغامی یکبار در شهر پیروما به مدت یک روز کارگران اعتصاب کردند و ولی نماینده دادستانی تهران با خیل گیری تمام به فریب کارگران پرداخت و گفت در این شرایط هرکس اعتصاب کند مثل این است که گلوی اما مرا فشرده است و به این ترتیب اعتصاب برحق کارگران را شکست ولی از آنجا که فریبکاری و حیل گری محکوم به شکست است و بتدریج کارگران به حقوق خویش آگاه میشوند، کارگران یکبار دیگر با اعتصاب مجدداً در اوائل آبان ماه نقشه های سرمایه داران را فریبکار را خنثی نمودند و این بار دیگر

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر